



# کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

۵۰ ربان

۳۰ اسفند ماه ۱۳۶۲

سال اول - شماره ۶

## زنان و مردان کارگران! رفاق!

سال‌ناره را آغاز کرده ایم ، سال ناره را شادان میگوئیم . شادان میگوئیم بخاطر عشق به رهائی که بی پایان در وجودمان رنده است . شادان میگوئیم بخاطر عزم و شور مبارزه که گرمایش سواپا پیمان را گرفته است . . . . . بخاطر فروع آگاهی که تیرگی زندگی مان را میرداید ، دلها و دستها مان را استوار به هم پیوند میدهد و در نوید قدرت اتحاد صفوف میلیونی ما که از راه میرسد ، مرگ و نابودی جهل و ستم را با سنگی رسا خیر میدهد !

گرچه استثمارگران خاکمند ، گرچه عزیزترین عزیزان مان در اسارتند ، گرچه دژخیمان سزیه سودمیده را سر مرار یا رانمان لگد میگویند . . . . . گرچه صفوف میلیونی مان هنوز پراکنده است . . . . . اما دیر خواهد بود که نیروی لایزال اتحاد صفوفمان انقلاب را به حروش خواهد افکند . . . . . دیر خواهد بود که ارتش سرج کارگران در جبا با تنها رژه خواهد رفت . . . . . که کودکان مان در هم ننگستن ابزارهای ستم و سرکوب و یحییق استثمارگران را به هلبله و پایگویی خواهد نشست . . . . . که همه تنگناها گرد برجم ما خواهد بود تا جایی نوپی افکسیم !

سال نورآشادان میگوئیم . ساند که این سال ، سال پیروزی ما باشد !



## نوروزتان پیروز!

جاودان باد یاد کمون ( میخدم مارس ) صفحه ۷

درباره  
خطر آکسیونیسم در حوزه های حزبی  
صفحه ۲

پیام بمناسبت روز کارگر  
روز جهانی زن  
صفحه ۲۶



بمناسبت  
سالروز  
مرگ  
مارکس

صفحه ۸

# کارگران جهان متحد شوید!

## درباره خطر آکسیونیسم در حوزه‌های حزبی

آکسیونیسم یکی از جلوه‌های اصلی سبک کار ریویولیونیستی است. منظور ما از آکسیونیسم عملگرایی محدود و تنگ نظرانه در کار سیاسی و تشکیلاتی است. تظاهرات، تحصن، اعتصاب، کم‌کاری و نظایر اینها اشکال شناخته شده آکسیونهای مبارزاتی هستند. آکسیونیسم آن انحرافی است که اینگونه اقدامات و اشکال مبارزاتی جدا از متن یک مبارزه، ادا می‌کند و زمانی و طبقاتی و جدا از چهارچوب یک برنامه مبارزاتی مشخص را به هدفی در خود تبدیل می‌کند.

دوران پس از قیام تا ۳۰ خرداد ۶۰ ناظر بر شکوفایی و شدت یابی و نهایتاً بر ملا شدن بی‌شماری انحراف آکسیونیستی سازمانهای خرد - بورژوا - سوسیالیست در مقیاسی بسیار وسیع بود. شرایط نیمه دمکراتیک ماههای پس از قیام به این گرایش ذاتی انقلابگری خرد بورژوازی امکان بروز آشکار و وسیع داد. آکسیونیسم انعکاس درک محدود خرد بورژوازی از مبارزه است و این واقعیت حتی در دوران قبل از انقلاب ۵۷ در مثنی چریکی به روشنی به ثبوت رسیده بود. مثنی چریکی خود یکی از نمونه‌های بارز آکسیونیسم است. در این خط مثنی خرد بورژوازی، آکسیون و آنهم نهایی کنوع مثنی آکسیون سازمانی یعنی عملیات کوچک نظامی دهه‌های کوچک چریک شهری سر

جای هر نوع پراتیک سیاسی و تشکیلاتی می‌نشیند، اگر خط ۲ در عمل پراتیک را با آکسیونهای محدود و محدودی نازل می‌داد مدافعان مثنی چریکی تا آن درجه از مارکسیسم و مبارزه، مارکسیستی به دور بودند که علناً بی هیچ پرده پوشی به تقدیس این آکسیونیسم بر می‌خاستند و رسماً هر فعالیت خارج از این یگانگی آکسیون چریکی را مردود می‌نامیدند.

پس از انقلاب آکسیونیسم سازمانهای خرد بورژوا - سوسیالیست بطور عمده در بعد سیاسی آن بروز یافت. شعار سازمان پیکار رمنی برای اینکه " تاکتیک اصلی در این دوره تظاهرات است " چکیده و فشرده، تمام شعور آکسیونیستی خرد بورژوازی مدعی مارکسیسم در ایران بود. این شعار تمام سطحی‌گرایی و بوجی‌فعالیت آکسیونیستی را بر ملا می‌کند. تظاهرات یعنی یک شکل مبارزه تاکتیک سازمانی که خود را کمونیست می‌نامید بدل شده بود همه فعالین جنبش ما بخوبی به یاد دارند که چگونه این شعار و این تلقی تنگ نظرانه از مبارزه برای دوره‌ای طولانی راهنمای عملی سازمانهای مختلف ریویولیونیستی از پیکار تا رزمندگان، فدایی و راه کارگر قرار گرفت. تظاهراتهای موضعی چند ساعته با شرکت افراد سازمانی در گوشه و کنار شهرها تمام

ما حاصل تاکتیک اصلی سازمانها بود در این دیدگاه آکسیونیستی به هدف تظاهرات، نه جایگاه هر تظاهرات در سیر پیشرفت و تکامل مبارزه انقلابی در دوره مورد نظر، نه رابطه این شکل مبارزه با اشکال دیگر، هیچ یک بطور جدی مورد تعمق قرار نمی‌گرفت. هدف گویی تنها ما ابزار وجود سازمانی و احیاناً تبلیغ (در واقع افشاگری) از طریق تظاهرات بود.

### آکسیون سازمان و اکونومیسم آکسیونیستی

آکسیون نیز در سازمانهای ریویولیونیستی بطور عمده در وجه اصلی خود را آشکار می‌کرد. اول محدود ماندن در یک سلسله آکسیون - نهی سازمانی و دوم دنباله روی از آکسیونهای خود بخودی، (اکونومیسم آکسیونی). آکسیون سازمانی یعنی دست زدن به عمل معین توسط نیروی منحصر به فعالین سازمانی بخودی خود تا درست و انحرافی نیست، در طول مبارزه یک حزب پرولتری نیز در موارد متعدد و به ویژه تحت شرایط حساس و تعیین کننده‌ای دست زدن به آکسیونهای سازمانی ضروری می‌شود. چنین آکسیونهایی عموماً نقش راهگشایی مبارزات نوده‌ای و رفع موانع مشخص گسترش و تعمیق مبارزه را بازی می‌کند. در این با آن کارخانه محله، مدرسه و یا اداره اعتراضات بالامی‌گیرد. درگیری با کارفرما، دولت و مقامات بوروکراتیک شدت می‌یابد و کار به اعتصاب، تظاهرات، تحصن و نظایر آن

میکشد. اکنون میس آکسیون به معنی دنباله روی بی چون و چرای سازمان سیاسی از این گونه آکسیونهاست. سازمانهای سوسیالیست - خرده بورژوا از آنجا که پیه مبارزات توده ها معطوف میشدند عمدتاً تا اعماق این دنباله روی سقوط می کردند. کمتر اعتصاب و اعتراض کارگری در ماههای پس از قیام یعنی در دوره گسترده ترین فعالیت سازمانهای پوپولیستی مبرشمارها، سیاستها و یا برنامه این سازمانها را بر خود داشت. غیرنگاری درباره آکسیونها و یا در بهترین حالت "باد زدن مبارزه خودبخودی" بیشترین دخلتی بود که در اکثر موارد می شد از سوسیالیست های خرده بورژوا انتظار داشت و بیهوده نبود که پوپولیستها فعالیت سیاسی خود را نه در محیط زیست و کار طبقه کارگر که نیروی انقلاب پرولتری است بلکه در میان پر جنب و جوش ترین اقشار معترض جامعه ( نظیر دانشجویان و دانش آموزان) متمرکز کرده بودند.

حزب پرولتری باید دنباله روی توده ها بلکه رهبران آنها باشد. آکسیونهای خودانگیخته کارگری باید توسط حزب هدایت شود. اهداف و شعارهای آن تعریف و یا تمحیح شود. هر اقدام معین نظیر اعتصاب و یا تظاهرات باید آگاهانه سازمان یابد. دامنه پیشروی دست - آوردهای مورد انتظار هر آکسیون مشخص شود و یا حتی در مواردی که برای مثال این یا آن آکسیون از نیروی کافی برای پیشروی

برخورداریست توسط حزب کارگران از آن برخوردار شده شوند. حزب کمونیست خود را از هیچ مبارزه خودبخودی کارگری کنار نمی کشد و نسبت به آن بی تفاوت نمی ماند. اما حزب از هیچ آکسیون خودبخودی دنباله روی نمی کند. و همواره می گوید تا هر اعتراض توده ها را حول مسائل اصلی مبارزه طبقاتی در هر دوره معین جهت و سازمان دهد.

## آکسیونسیم حوزه های کم نفوذ

آنچه گفتیم برای اکثر رفقای ما آشناست. فعالین ما بغوی با جلوه های مختلف آکسیونسیم در دوره قبل از ۳۰ خرداد آشنا هستند اما نقدها تنها برای این نموده ها متمرکز نیست. آکسیونسیم یعنی نشان دادن عمل محدود و احتمالاً پر زرق و برق اما زودگذر وسطی بجای پراتیک عمیق و همه جانبه - حسی و طبقاتی. این انحراف امروز در اشکال دیگری در کار برخی از رفقای ما به چشم می خورد.

در مقاله مربوط به محافل ترویجی کارگری در شماره قبل به گوشه هایی از این مساله اشاره کردیم. حزب کمونیست به تشکیل بیشترین حوزه های حزبی در محیط زیست و کارگران و زحمتکشان نیاز دارد پیشبردا مرتبلیغ، ترویج و سازماندهی بطور دائمی و با توده های هر چه وسیعتری از کارگران مستلزم گسترش تعداد

حوزه ها و استمرار کار هر حوزه در دل دشوارترین شرایط است. حوزه حزبی وظایف روتین تعریف شده ای دارد. حزب با اتکا به انجام دائمی این وظایف توسط حوزه ها موجودیت و قدرت خود را حفظ می کند و گسترش می دهد. اما متأسفانه غلبه آکسیونسیم بر فعالین ما در حوزه ها در مواردی صد راه پیشبردا این وظایف پایه ای می شود. شتابزدگی، علاقه به انجام عملیات بزرگتر و پرسر و صدا تر که گاه تحت پوشش عبارت "ارتقا" دادن فعالیت حوزه" بیان می شود گرایش به گذار سریع به اشکال ترکیبی سازمانی در محیط کار (نظیر تشکیل کمیته کارخانه) با اتکای به اولین موفقیت های حوزه در جلب بخشی از پیشروان کارخانه، اینها جلوه های آکسیونسیم است که اینها رگربان واحدهای کوچک سازمانی را گرفته است.

این آکسیونسیم به همان درجه آکسیونسیم سازمانهای سراسری و مریخی و طویل پوپولیستی در دوره قبل زیانبار و مخرب است. به همان درجه سترون و بی ثمر است. آکسیونسیم هیاهوی بسیار برای هیچ است. عملگرایی محدود و کوتاه بینانه ای است که حزب را از عمل واقعی انقلابی یعنی سازمان دادن و آماده کردن پرولتاریا برای انقلاب اجتماعی و از به حرکت درآوردن نیروی طبقه

## بشکل حوزه های حزبی متشکل شوید

برای فنام پیرو مبدیرو لئوری بازمی دارد. آکسیونیم پوشش بر نقش و نگاری برای بی عملی طبعاتی است. این رارقای ما بایست عمیقاً درک کنند.

ما حزب کمونیست ایران را در دل یک اختناق سیاه و حوسین و در متن ورشکستگی سیاسی - ایدئولوژیک و عملی سوسیالیسم خرده بورژوازی ایجاد کرده ایم. چه در مبارزه برای تشکیل حزب و چه در مبارزه عملی ارتحید سارمان نیروهای پراکنده و روی آوری به طبقه کارگر تا سازماندهی مبارزه سیاسی و نظامی در کردستان همواره تلاش کرده ایم تا حرکت خود را بر یک نقشه فکر شده و سنجیده متکی کنیم نقشه ای که متکی بر اصول ایدئولوژیک و برنامه ای ما، تا کتیک های ما و شیوه های کمونیستی فعالیت تشکیلاتی است. در این راه باید قاطعانه با هر گرایش و کشش انحرافی که حزب را از سیرتکا مل نقشه مند خود منحرف می کند و سرنوش آرا به حرکات خود بخودی، ارزیابی های محدود نگرا نه و تغییر و تحول در شرایط خارجی گره میزند مقابله کنیم. ما باید حزب خود را مطابق یک نقشه ما رکیستی زشد و گسترش دهیم و بنا بر این هر چه سازمان حزب باید نقش پایه ای خود را بویژه در این دوره از حیات حزب بی تزلزل و با پیگیری کامل به انجام برساند. آکسیونیم حوزہ های کم نفوذیگی از خطراتی است که حرکت نقشه مند را تهدید می کند.

### جند تذکره فعالین حزب در حوزہ ها

۱- حوزہ یک لول از حزب است و به این اعتبار هنگامی درگا وجود موفق است که مل از هر جزو یف تعریف شده، همین لول را مستعرا انجام دهد. "ارتقا" حوزہ با تبدیل حوزہ ارگان دیگری تعریف نمی شود تبدیل حوزہ به هر ارگانی دیگر به معنی رها شدن فعالیت حوزہ است. این حزب کمونیست به معنا به یک کلیت است که باید بر منای فعالیت دائمی حوزہ ها و نیروی روز افزونی که این حوزہ ها در درون حزب گرد می آورند و آماده می کنند با برارگانهای حزب را سازمان دهد. بنا بر این روشن است که سیرتکا مل و ارتقا و گکار حوزہ عینا همان سیرتکا مل و قدرت بایی کل حزب نیست. یک کار دیگر حوزہ، سیک کار حوزہ ای را بخوانید. موفقیت حوزہ را دقیقاً بر منای همان وظایف تعریف شده و همان برششانه انتهای جزوه باید سجد.

رشد ما باید رشدی نقشه مند باشد. کل حزب باید در مجموع فعالیت خود رشد کند و این دوره بطور مشخص دوره ایست که باید ریشه های حزب در درون طبقه کارگر بسط یابد و محکم شود. وقتی حوزہ ای از فعالین ما برای مثال تصمیم می گیرند تا بر منای یک ارزیابی کوتاه نظرانه نقشه های تعریف شده فعالیت خود را کناری گذارند و تمام موجودیت خود را به اعتبار آکسیونیم های فاسریکی در یک کارخانه منفرد تعریف کنند عملاً بخشی از

کل نقشه فعالیت حزب در اس دوره مشخص را زمین می گذارند.

۲- در حه دخالت فعالین مادر آکسیونها با نعی از در حه، نفوذ عمومی مادر کارخانه و محله است سخت آرمایی آکسیون و "قاب-زدن" اعتراضات را به پوپولیسها بسیاریم. این شیوه، ما نیست. ما کمونیستها با طبقه خود کار خودی داریم. بنا بر این شرط لازم برای دستیابی به قابلیت واقعی برای هدایت آکسیونهای کارگری به شیوه، ادامه کار، اینست که ما تلاش خود را برای بسط نفوذ ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب در میان پیشروان نوده های طبقه، کارگری و قعه ادامه دهیم و شدت بخشیم. حوزہ ای که یکبار میمان یک آکسیون کارگری میشود سپس تا ماها فلح می شود. حوزہ کم نفوذی که یک اعلامیه را به شیوه ای کاملاً آکروبا تیک بخش می کند اما تا ماها بعد قابلیت خود در حفظ و گسترش روابط کارگری اش را از دست می دهد باید قبل از آنکه بفرآکسیون باشد در گسترش نفوذ حزب و جذب پیشروان بیشتر به حزب، حوزہ حزبی و محافل مشوع و مرتبط با حزب بکوشد. ما باید در تمام آکسیونهای کارگری فعال باشیم. ما باید به اعتراضات دامن برنیم و به آن جهت بدهیم. اما همه، اینها مستلزم آنست که حوزہ حزب تا نیه ای کار خود را زمین نگذارد.

۳- مبارزه، طبقه ای حای خود نمایی بوک و تو حالی نیست.

حزب کمونیست را با بدبا برنامہ ، سیاست و شیوہ های آن و قدرت عملی و واقعی کمونیستها در پیش راندن و بارزہ طبقہ کارگر معرفی کرد . معرفی حزب کمونیست با تبلیغات بورژوازی در بارہ کالاهایشان از زمین تا آسمان تفاوت دارد . شیوہ تبلیغی مجاهد و جریبان فدایی ( نظیر سرور و رهبر و فرمانده تراشیدن برای تودہ ، مردم و پخش پوسترچہا رنگ رئیس جمهور و نخست وزیر " بعد از این " و ادعاهای سراپا کذب در بارہ ، شرکت موثر در " مقاومت " در کردستان از جانب مجاهدین و با تلاش برای کسب اعتبار را طریق هیاهو در بارہ ، کمیسیون بررسی اختلافات حزب دمکرات و کومه له از جانب فدایی) شیوہ های منطبق با زندگی اقتصادی طبقہ ایست که با بد هر روز جنس خود را در رقابت با رفاہیہ ہر ترتیب بفروشد . طبعہ ، ما طبقہ ای آماده برای جذب ایده های حزب انقلابی و طبقاتی خویش است . بنا بر این رفقای ما باید از ہر گونه اقدام مبتنی بر خود نمایی سطحی و تبلیغ تو خالی بپرهیزند . این نقطہ حرکت آکسیونیسم خردہ بورژوازیست . فعالین ما باید مستقیما بہ سراغ پیشروان تودہ های طبقہ کارگر بروند . برنامہ ، سیاست و تفاوت حزب کمونیست با اپوزیسیون خردہ - بورژوا - سوسیالیزم را بہ تودہ ہرچہ وسیعتری بیاورند . حزب کمونیست را بہ آنان بشناسانند و بہترین کارگران را برای عضویت در حزب آماده کنند . این کار باید

دائما ، هر روز و مستقل از ہر شرایطی ادا مہ یابد . ما امروز بیش از ہر چیز بہ حوزه های نیاز مندیم کہ اہمیت کار روتین و پایہ ، خود را در مجموعہ فعالیت حزب در یافتہ شد و این نقش حساس و حیاتی خود را با جدیت پیگیری و حوصلہ ، کافی بہ انجام رسانند .

۴- تشکیل ارگانہای عالیتر حزبی در محیط فعالیت ہر حوزه ملزومات مشخصی دارد . برای تشکیل کمیٹہ ، کارخانہ در این شرایط صرف وجود دویا چند حوزه حزبی کافی نیست . این حوزه ها باید دارای نفوذ کافی باشند کارگران مرتبط با خود را در اشکال متنوع سازمان دادہ باشند . اشکال ادامہ کار و قابل اتکایی از فعالیت حوزه ای نظیر تبلیغ ، ترویج ، جمع آوری کمک های مالی ، بخش نشریات حزب و غیرہ بوجود آورده باشند و بیژہ از توانایی و ظرفیت کافی برای تلفیق اصول کار مخفی با فعالیت علنی در سطح کارخانہ برخوردار باشند . حوزه های ما بہ ویژہ در این شرایط احتیاق باید با تودہ ، وسیعتری از کارگران احاطہ شدہ باشند . بنا بر این ہر گونه شتابزدگی در ایجا دکمیٹہ های بالاتر بطور قطع ما را با اشکالات متعددی روبرو خواهد ساخت . رفقای ما باید توجہ کنند کہ ارگانہای سازمانی تنها نام و بیاعنوانی برای یک جمع از افراد حزبی نیست بلکہ موجودیتی برای انجام وظایف معین است . قبل از تشکیل ہر ارگان باید ابتدا لاقبل بہ ایسن

سئوالات پاسخ داد . آیا دامنہ فعالیت ما در محیط مورد نظر ایجاد یک ارگان عالیتر را ایجاب میکند؟ آیا ما از مجموعہ توان لازم برای ایجا دین ارگان برخورداریم؟ آیا با توجہ بہ درجہ نفوذ تودہ ای خود و تربیت تشکیلاتی موجود کادریہا و کارگران ہوادارمی توانیم از ادامہ کاری و استمرار فعالیت ارگان جدیدہ اندازہ کافی مطمئن باشیم .

۵- آکسیون بطور قطع جای جدی و غیر قابل انکاری را در فعالیتہای حزب ایفا می کند اما نہوہ دست زدن بہ آکسیون ہا امری نیست کہ ہر حوزه مستقل از سیاست عمومی حزب در قبال مسایل مختلف صرفا توجہ بہ امکان " راہ اندازی " ایسآکسیون در این یا آن موقعیت در بارہ آن تصمیم بگیرد (طبعا در اینجا نہوہ دخالت ما در آکسیونہای " خود بخودی " کارگران مورد بحث نیست) . فعالین ما باید عملکرد خود را با سیاستہای اعلام شدہ حزب (در قطعنا مہا ، قرارہا و رہنمودہای نشریات و رادیوہای حزب) تطبیق دهند . مسالہ اساسی این است کہ ما رابطہ مستقیم میان درجہ نفوذ حزب کمونیست از یکسو و درجہ موفقیت آکسیونہای کارگری از سوی دیگر را درک کنیم . امروز تحکیم حزب خود یکی از ملزومات حیاتی رشد یک جنبش کارگری ادامہ کار و رو بہ پیشروی است . زیرا با رہا تا کید کردہ ایم کہ جنبش کارگری برای گسترش خود با بد حول محورہای اصلی معینی متمرکز شود . از محدودہ کارخانہ های منفرد

خارج شود و بعدی سراسری بشود بگیرد. همه اینها در این شرایط مستلزم درجه، معنی ارزشند و گسترش حزب کمونیست در میان کارگران است. امری که حوزه‌های ما باید آن اولویت جدی بدهند.

۶- و بالاخره باید بیه مسئله ادامه کاری حوزه‌ها در رویا رویی با پلیس سیاسی و نیروهای سرکوبگر و عوامل سمور رژیم در کارخانه‌ها اشاره کنیم. احاطه و طایف خطر حوزه‌ها در این دوره مستلزم توجه جدی به امر ادامه کاری و حفظ امنیت فعالین، ارتباطات و امکانات هر حوزه است. آکسیوسم آشکارا با این نیازها در تناقض قرار می‌گیرد. ما حمل آکسیوسم برای حوزه‌های کم‌بودنه بسیار میان رفتن و متلاشی شدن خودحوزه بلکه همانطور که در مواردی شاهد بوده‌ایم به هدر رفتن بخش اعظم فعالیت‌های قبلی حوزه در رابطه با دیگر کارگران پیشرو و افست عمومی سطح مبارزه در کارخانه است. هر آکسیوسم برای ما مرحله‌ای در پیشبرد مبارزه است و باید با همین هدف طراحی و اجرا شود. آکسیوسم کمونیستی تا معلمان حربه بورژوازی نفاوت دارد. ما برای تست در تاریخ مبارزه نمی‌کنیم. ما برای پیروزی مبارزه می‌کنیم. و بدیهی است که هر گام ما هر آنگاه که ما و هر آکسیوسم ما باید مجموعه شرایط پهنروی را که ادامه کاری و گسترش فعالیت سازمانی یکی از فاکتورهای است مد نظر داشته باشد.

مسئله آکسیوسم بعنوان یکی از امراض حربه بورژوازی متناهل نیازمند تحلیل بیشتر و همه جانبه‌تری است ما در اینجا به برخی از اشکال بورژوازی اشکال اشاره کردیم. در انتها باید یک نکته دیگر را متذکر شد و آن امکان سرور محدود اشکال قدیمی آکسیوسم در آینده معنی در شرایط تغییر نوارن قوا و مراهم آمدن اوضاع دیگران است. چیزی که مداوما رشد می‌کند و از جا معه با همه گرایشات دروسی آن نیرو می‌گیرد می‌تواند یکبار برای همیشه با یک تحلیل انتقادی خود را در مقابل اشکالات ناشی از تفکر و تعابلات طبقات مدافع مالکیت خصوصی در جامعه مضمون کند. ما باید نقد آکسیوسم راه‌مناشه بخشی از

نقد عمومی خود به سنگ کار بیولینسی مداوما در صفوف کارگران آموزش دهیم. ما باید کارگران را بعنوان طبقه‌ای قدرتمند متکی به اسرازی، تاکسیک و شیوه‌های انقلابی روش و صاحب یک حزب آگاه و انقلابی پرورش دهیم و متشکل کنیم. آوانورسم و آکسیوسم سنگ نظاره حربه بورژوازی هر روز به اعتبار احتمال اقتصادی تولیدکنندگان و بورج کسندگان حربه در جامعه ما تولید می‌شود. حزب پرولناریای محصول تولید سرگ حزب متکی به مارکسم ولتینیم نباید با انقلابیگری بی‌نمرونا توان آلوده بشود. راه ما راه مبارزه متکی بر انضباط و نقشه است.

منصور حکمت

### حزب کمونیست ایران سازمان سیاسی و سراسری طبقه

کارگر در ایران است. ایدئولوژی حزب کمونیست ایران مارکسیم - لنینیسم است. حزب کمونیست ایران وظیفه خود را سازماندهی و رهبری مبارزه طبقه کارگر ایران علیه بورژوازی در تمام وجوه آن قرار داده است و بر مبنای برنامه خویش برای کسب قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر، امحای نظام سرمایه‌داری، برپایی سوسیالیسم و نیل به کمونیسم، مبارزه میکند.

حزب کمونیست ایران به‌انتزنا سوسیالیسم پرولتری اعتقاد دارد و همسنگی با مبارزات طبقه کارگر جهان، مبارزه برای اتحاد جهانی طبقه کارگر و تلاش در راه تشکیل انترناسیونال کمونیستی را وظیفه خود میدانند.

ماده اول اساسنامه حزب کمونیست ایران

اخراج تنها در صلاحیت مجمع عمومی کارگران است

## جاودان باد یاد کمون

یکشنبه ۱۸ مارس، برابر با ۲۸ اسفند، سالروز کمون پاریس است. کمون پاریس نخستین حکومت کارگری دنیاست حکومتی که عمری کوتاه داشت. بورژوازی با تکیه بر برتری قوای خود در برابر کمون، وبا وحشیگری بی مانندی، کمون را در سومین ماه استقرار آن درهم شکست و به کشتار کمون راها پرداخته با این حال، علیرغم عمر کوتاه کمون، این نخستین حکومت کارگری جهان آنچنان درس هایی به یادگار گذاشت که هم امروز، یعنی پس از گذشت بیش از یکصد و ده سال هنوز هم به قوت خود باقی است. کمون پاریس در همان حال نشان داد که چنانچه طبقه کارگر قدرت قرار گیرد، حتی در چنان مدت کوتاهی که کمون بر سر کار بود دست به چه اقدامات شگرف و تحول بخشی برای تأمین و حراست آزادی و دموکراسی و بهبود شرایط زندگی توده های کارگر و زمینکش می زند.

کمون دستگاه دولتی بورژوازی را داغان کرد و برای این ابزارستم و سرکوب توده ها قدرت متشکل توده های کارگر را قرار داد، که در راه زحمتکشان بصورت قدرت حاکمه متشکل می شدند. در اولین تصویب نامه های کمون ارتش حرفه ای بورژوازی منحل شد و بجای ارتش

حرفه ای تسلیح عمومی مردم را قرار داد. کمون با معمول داشتن عزل و نصب مستقیم مسا در امور توسط مردم بوروکراسی ممتاز و مافوق مردم را لغو کرد و در تضمین آن، حقوق کلیه مقامات خود را برابر با دستمزد یک کارگرما هر مقرر داشت. کمون در همان حال امر فنانگداری و اجرای قوانین را توأماً به خود توده های کارگر و زمینکش مسلح و گذاشت که در کمون و ارگان های مختلف مطبوعاتی آن متشکل شده بودند.

کمون پس از انحلال و حذف ارتش حرفه ای و پلیس شروع به درهم شکستن نیروی معنوی اختلاف یعنی "قدرت کشیشها" کرد و بطور کامل و قطعی جدایی مذهب از دولت را عملی نمود. قنات و مقامات قضایی را از آن استقلال کا ذیشان که در عمل معنایی جز استقلال از اراده توده های مردم و اطاعت تنفسر - انگیزشان از قدرت سرمایه و حکومت بورژوازی نداشت را با بین کشید. قنات و مقامات قضایی مثل دیگر مسا در امور و خدمتگزاران عمومی، مقاماتی شدند انتخابی، مسئول در برابر انتخاب کنندگان و قایل عزل هر گاه که اکثریت انتخاب کنندگان نشان اراده می کردند.

کمون کارشبانهای کارگران بناواهی رشته ای که در آن زمان کار

شبان در آن مرسوم بود، را لغو کرد. این عادت کارفرمایان را که از دستمزد کارگران خود مرتب مبالغی را بعنوان جریمه به بهانه های گوناگون کسر می کردند و در نتیجه نقش قانون گذار و قاضی میرغضب را در آن واحد بعهده می گرفتند، قدغن و مستوجب مجازات اعلام کرد. و بلاخره اینکه تمام آن کارگاه ها و فابریک هایی را که بدون علت تعطیل شده بودند و با سرمایه داران مربوطه شان ناپدید شده بودند و با اینکه ترجیح داده بودند که کار را معلق گذارند، به اتحادیه های کارگری سپرد.

عمر کوتاه کمون فرصت نداد تا اقدامات بنیادی اجتماعی برای تحدید سازمان اقتصادی جامعه را آغاز کند. بقول مارکس "اقدام اجتماعی بزرگ کمون، وجود فعال خودش بود"، این امر که کمون سرانجام آن شکل حکومت را بدست داده بود که طبقه می توانست در آن خود را بصورت طبقه حاکمه متشکل کند، چیزی که شرط اساسی انقلاب اجتماعی بود.

همه این اقدامات در شرایطی صورت می گرفت که سپاهیان بیروس، پاریس را در محاصره نظامی خود گرفته بودند و حکومت بورژوازی که به ورسای گریخته بود توطئه ها و لشکرآرایی خود علیه کمون را سازمان میداد. بورژوازی حملات نظامی اش را به محض آنکه توانش را بقیه در صفحه ۹

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

## کارل مارکس

چهاردهم مارس، برابر با ۲۴ اسفند، صدویکمین سالروز مرگ مارکس است.

مارکس بود که علم تاریخ و اجتماع را از تار و پود تحریفات عالمان طبقات دارا و فیلسوفان بورژوا بیرون آورد تا به راه‌های و شرایط رهایی طبقه کارگر و روشناسی افکند. او بود که مبانی مشقت‌وسیه روزی طبقه کارگر در جوامع سرمایه‌داری

را افشا کرد، قوانین ذاتی، تناقضات بنیادی و ناگزیری مرگ و نابودی این نظام مستور و استثمار طبقاتی را آشکار نمود و طبقه کارگر را بر سرالشتش برای درهم کوبیدن سرمایه‌داری، پی‌افکندن جوامع نوین سوسیالیستی و پایان بخشیدن به هرگونه مستور و استثمار طبقه‌تسی واقف ساخت. مارکس بود که راه رسیدن به این هدف عالی را به طبقه ما نشان داد. نشان داد که اصلاح نظام سرمایه‌داری ممکن نیست، نشان داد که سازش با بورژوازی و تمکین به سیادت این طبقه، تحت هر لواط و هر شکنجی، تا چه درجه برای کارگران مفراست. آموخت که طبقه ما، طبقه کارگر جهانی با یاد آزادی خود را در مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی جستجو کند. آموخت که کارگران با پیدایش مبارزه راتا درهم شکستن تمامی ابزارهای حاکمیت بورژوازی، سرنگونی کامل این طبقه، سرپاشی حکومت کارگری، دیکتاتوری پرولتاریا و خلق یک

کامل از طبقه بورژوازی دنبال کنند. مارکس بود که به طبقه ما آموخت با دیدیکم از مبارزه علیه عقاید ایدئولوژی، سیاست‌های بورژوازی بازنشستیم، آموخت که حزب کمونیست خود را برپا داریم، پرچم انقلاب اجتماعی را برافرازم، تمام قوا و نیروی خود را گردا بستن پرچم متحد و متشکل کنیم و انجام این انقلاب را تنها در اتکا به نیروی خود و آگاهی و مبارزه انقلابی صفوف میلیونی خود دنبال کنیم. نام مارکس با مبارزه طبقه کارگر برای رهایی عجب گشته است.

در گرامیداشت یاد این رهبر پرولتاریای جهانی، در اینجا متن سخنرانی کوتاهی را می‌آوریم که انگلس چند روز پیش از مرگ مارکس ایراد کرده است. انگلس که خود همراه و یاور مارکس در تدوین ایدئولوژی پرولتری و آموزش‌های مبارزه را هاش بخش پرولتاریا، و در عین حال نزدیک‌ترین دوست است مارکس بود. در این سخنرانی خود به خلاصه‌ترین شکلی رهوس خدمات مارکس به طبقه کارگر جهانی را بر می‌شمرد و شخصیت این رهبر انقلاب پرولتری را معرفی می‌کند.

### سخنرانی در کنار گور مارکس

۱۴ مارس، یک ربع به ساعت ۳ بعد از ظهر، بزرگترین اندیشمند روزگار ما را ندیدیدین باز ایستاد. فقط دو دقیقه ا و راتنها گذاشته بودیم، همینکه به اتاق آمدیم، دیدیم که آرام روی صندوق خوابیده است. اما این بار برای همیشه.

مرگ این انسان، برای پرولتاریای رزمنده، اروپا و آمریکا و برای تاریخ علوم، ضایعه - ای بود که آترانمی توان سنجید. همانطور که در آیین قانون تکامل جهان ارگانیک و موجودات زنده را باز نمود، مارکس قانون تکامل تاریخ بشر را باز نموده است: این نکته ساده که مردمان پیش از آنکه بتوانند به سیاست، دانش، هنر، دین و جزاینها بپردازند؛ در وهله نخست باید مخورند و بیاشامند، خانه داشته باشند و جا مه بپوشند؛ نکته ساده‌ای که زبیر لایه‌های سی از تصورات مذهبی و ایده‌الیستی از دیده‌ها پنهان مانده بود. مارکس با شروع از همین نکته ساده آشکار ساخت که تولید و سایل مادی زندگی و بدینسان هر مرحله معین رشد اقتصادی یک خلق در هر روز معین، آن بنیادی است که تمام ساختمان دولت، دیدگاه‌های حقوقی نظریات دینی و حتی هنر این مردم بروی آن پدید می‌آید و از همین رو برای فهم و درک ایدئولوژی و سیاست یک خلق در هر دوره معین نخست باید مناسبات آنان در تولید زندگی مادی شان را شناخت و نه برعکس بدانگونه که تا کنون عمل کرده‌اند.

اما، این همه اثر نیست. مارکس همچنین قانون ویژه حرکت شیوه تولید سرمایه‌داری کنونی و جوامع بورژوایی را که زاده این شیوه تولید است، باز نموده است. با کشف ارزش اضافی، بی‌درنگ به قوانین حرکت و تناقضات بنیادی شیوه تولید سرمایه‌داری و جامعه بورژوایی، روشناسی تابید. در



بقیه از صفحه ۷

جاودان ...

درخوددید، بی درنگ آغاز کرد. با تفوق قوایش حکومت کارگران درباریس درهم شکست و کمون را دربرایشی که از خون سرخ کمونارها برآوردند غرق ساخت. اما همانگونه که ما رکن درقطعه‌های به افتخار اولین سالگرد کمون نوشت کارگران قهرمان پاریس با برپایی کمون و دفاع تاپای جان از آن طلیمه انقلاب کبیراجتماعی را آشکارا ساختند. انقلابی که بشریت را برای همیشه از جامعه طبقاتی رها خواهد ساخت. با دکمون و درس‌های کمون در نزد طبقه کارگر جهانی جاودانه است.

زنده باد خاطره کمونارها  
پیشگامان انقلاب پرولتری!  
جاودان باد یاد کمون!  
زنده باد حکومت کارگری!



**اماننامه**  
**حزب کمونیست ایران**

حزب:

کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران  
شهر تهر ۱۳۶۲

را بخوانید

داشت، اما گمان نمی‌رود که حتی یک دشمن شخصی هم برای وی بوده باشد.  
نام او کاراوا زنده‌ها فرا تر خواهند رفت!

چنان سرسختی و با چنان کامیابی مبارزه میکرد، که انگشت شماری چنان مبارزه میکنند. نخستین "روزنامه‌رین" در سال ۱۸۴۲، "به پیش" پاریس در سال ۱۸۴۴، "روزنامه آلمانی بروکسل" در سال ۱۸۴۷، "روزنامه‌رین جدید" در ۱۸۴۸ - ۱۸۴۹ گذشته از اینها روزنامه‌های دیگر، جزوه‌های بی شمار رزمی و کار در سازمانهای پاریس، بروکسل و لندن، تا اینکه سرانجام، پدید آمدن رفیق سترک بین المللی کارگران در سازمان جمعیت رفیق بین المللی کارگران چون تاجی بر همه اینها، برای ستی هم‌اشاری بود که پدید آورنده‌اش اگر چیزی بیش از این هم پدید نیامده بود، می‌توانست بر آن بیابد.

برای همین است که ما رکن کسی بود که بیش از همه از او نفرت داشتند و بیش از همه به او تنه می‌زدند. حکومتها - هم استبدادی و هم جمهوری - او را تمعید میکردند و بورژواها - هم محافظه کار و لیبرال - پیای، او را به بدبختی و لعنت می‌گرفتند. او همه اینها را چون تار عنکبوتی از سر راه غشوی می‌رفت، به آن توجه نمی‌کرد و تنها اگر ضرورتی بسیار پیش می‌آمد، به آن پاسخ می‌داد. اینک این انسان که میلیونها هم‌زمان انقلابش در همه اروپا و آمریکا، از کانهای سبیری تا کالیفرنیا، بر او حرمست می‌گذارند، گرامی‌اش می‌دارند و در سوگ او گریانند، چشم از جهان بسته است و من می‌توانم جورانه بگویم: او، مخالفانی بسیار

حالی که همه پژوهش‌های پیشین، هوا، از طرف اقتصاددانان بورژوا، و هوا، از سوی خردگمانان سوسیالیست و سرگردانی و سوالات بی پاسخ به با رنیا ورده بود. دو کشف از اینگونه برای یک زندگی کافی است. اگر برای کسی حتی یکی از این کشف‌ها میسر میشد خوشبخت بود. اما، ما رکن در هر رشته‌ای که به پژوهش پرداخت، حتی در رشته ریاضیات، دارای کشفیاتی بود و چنین رشته‌هایی بسیار بودند و او به هیچیک به گونه‌ای سطحی نمی‌پرداخت.

چنین بود این بزرگ دانش‌آما، این در وجود او اساسی ترا همه نبود. دانش برای ما رکن نیروی محرکه‌ای بود تاریخی و انقلابی و پیشرفت تازه در دانش نظری، پیشرفتی که در آن لحظه حتی به کار بستن آن رانمی‌شد بیش بینی کرد، برای او شادی زنده‌ای به همراه داشت و وقتی کار به کشفیاتی میرسید که بی درنگ تأثیری انقلابی بر صنایع و بر تکامل تاریخی در کل می‌گذاشت، شادی سراپای وجودش را می‌گرفت.

سخن کوتاه، ما رکن بیش از همه، یک انقلابی بود. مشارکت از راه‌های گوناگون در برانداختن جامعه سرمایه‌داری و موسسات دولتی - ای که این جامعه پدید آورده است، مشارکت در امرهای پرولتاریا که آن را به حال و روز خویش و نیازهاشان آگاه کرده و با شروط آزادیشان آشنا ساخت، برآستی کار زندگی او بود. مبارزه، خوی او بود. او با چنان شور، با

## در کردستان انقلابی...



مباحثه با رفیق جعفر شفیعی  
در باره اوضاع سیاسی کردستان  
در سال گذشته

### زحمتکشان کردستان روز کومه‌له را جشن گرفتند

● جمهوری اسلامی در برخورد  
به مردم کردستان در سال گذشته  
چه سیاسی را در پیش گرفته بود  
و علیه مردم به چه اقداماتی دست  
زده است؟

سال گذشته رژیم کوشید تا  
همراه با یورشهای ددمشانه وسیع  
نظامی خود، از حربه‌های متنوع  
دیگری برای سزاندن و آوردن  
توده‌های خلق کرد و درهم شکستن  
روحیه مبارزاتی آنان استفاده  
کند.

اعدامهای وسیع، بویژه  
اعدام ۵۹ تن از مردم مهاباد و  
نشان دادن جنازه‌های آنان در  
تلویزیون این شهردستگیریهای  
مداوم و دسته‌جمعی و خانه‌گردیهای  
همیشگی، تجمیع خانواده‌ها، محصور  
و مداخله انبوه عوامل و مزدوران  
رژیم در گوشه‌ها و زوایای زندگی  
مردم، فقدان هر نوع امنیت شغلی  
و جانی و مالی، تداوم محاصره  
اقتصادی کردستان، ایجاد اختلال  
در مبادله کالاها بین شهرها و  
تعداد زیادی از روستاها، جیره‌بندی  
کوبنی، مایحتاج عمومی و کمبود  
چشمگیر ارزاق، خمپاره باران و  
توب باران وسیع روستاها و  
مناطق مسکونی، سیاست تلبیح  
احباری و سرپا زگیری همه و همه

کنی، مردم بدعوت کمیته‌های بخش  
مراسم روز کومه‌له را برگزار کردند.  
در مراسمی که در هر کدام ر این  
روستاها برگزار شد مردم دیگر روستا -  
های آن بخش شرکت کردند. آنها  
خود را با راه پیمائی های چندساعته  
از زیر پایگاه های نظامی دشمن به  
این میتینگ هلیبرساندند و بسیاری  
از کسانی که نتوانستند خود در این  
میتینگ ها شرکت کنند با فرستادن  
پیام های تبریک و تهنیت این روز  
را گرامی داشتند. رفقای مشمول  
کومه‌له در این گردهمایی ها

بقیه در صفحه ۱۴

پنج سال پیش، روز ۲۶ بهمن  
کومه‌له پس از ۹ سال فعالیت مخفی  
موجودیت خود را بطور علنی اعلام  
کرد. به این مناسبت روز بیست و  
ششم بهمن ماه روز کومه‌له شناخته  
شده است.

امسال هم مردم کردستان در مراسم  
سزگداشت روز کومه‌له وسیعاً شرکت  
کردند.

در روستاهای سورکه‌ول، خاله‌وازه  
مران بالا، سیرموسی، گل چیدر -  
هاچی دره - قرلجه - شیخ چو بان ،  
فلقله - موه - سی - سر - هرزنه ،  
منیجلان - اشکو تک - بیجه چوک و

### گزارش آماری عملیات پیشرگان کومه‌له

در سال ۱۳۶۲

سفر گردیده و تماماً در آتش  
سوخته‌اند. طبیعی است که اسلحه  
و مهمات و ابزار و وسایل قابل  
ملاحظه‌ای به این ترتیب از بین  
رفته‌اند در حالی که آمار جدول ،  
این اقلام را نشان نمیدهد.

ب - آمار جدول در رابطه با تعداد  
کشته و اسیر نیروهای جمهوری  
اسلامی نشان‌دهنده مجموعه آن تعداد  
کشته‌ای است که رفقای ما خود حین  
عملیاتهای گوناگون موفق به  
شمارش و گزارش گردیده‌اند ،

بقیه در صفحه ۱۸

در اینجا گزارش فشرده عملیات  
پیشرگان سازمان کردستان حزب  
کمونیست ایران - کومه‌له - در  
یکسال گذشته را بشوید ای آماری  
نوشته ایم. در مورد این گزارش  
توضیح چند نکته لازم است :

الف - خسارات و تلفات جمهوری  
اسلامی را بدو " نباید میزان  
واقعی آن چیزی دانست که در این  
جدول آمده است. عملیات متعددی  
وجود داشته‌اند که در حین آنها  
پایگاه و یا مقر و انبار اسلحه و  
مهمات نیروهای جمهوری اسلامی

حربه‌هایی بوده اند که جمهوری اسلامی در جهت تثبیت و اعمال حاکمیت ضد انقلابش آنها را بکار برده است. وانگهی جمهوری اسلامی با کشتادن جنگ ایران و عراق به کردستان در سال گذشته، آوارگی مقر و مسکنش بیشترین را بر تنوده‌های زحمتکش کردستان تحمیل نمود.

در شهرها، بستن راه عبور و مرور محلات مختلف به دفعات مکرر و خانه‌گردیهای وسیع، حتی اسیر و زندانی نمودن مردم در محله خودشان از طریق ایجاد دره‌های ورودی و خروجی در این محلات و ممنوع ساختن عبور و مرور در این محلات بجز ساعات محدودی در شبانه‌روز (در شهر مهاباد)، حکومت نظامی شبانه تفرق‌ناپذیر

تمامی شهرها و روستاهای محلی استقرار مزدوران، ایجاد انواع گشتی‌های تارالسه، الزاهد، گشتی‌های سیاه، گشتی توابعین و... و دستگیری و شکنجه و زندانی نمودن هر فردی که "مشکوک بنظر رسیده"، "پاکسازی" ادارات و موسسات دولتی و کارگاهها از عناصر ضد انقلاب و مشکوک، به خدمت گرفتن "پاسدار معلم" و "پاسدار محمل" در آموزشگاهها، ایجاد کارگاههای متعدد در شهرها (مثلا ایجاد بیش از ۳۰ کارگاه مزدوران در هر یک از شهرهای چندده هزار نفری یوکان، مهاباد، و سقزو...)، ایجاد شبکه‌های جاسوسی مخفی، ایجاد شبکه انجمن‌های اسلامی تقریبا

در تمام محله‌های نسبتا ثابت کار و فعالیت تولیدی و اجتماعی، ایجاد پست‌های "بازرسی" و "بازجویی" در محل خانه‌های ورودی و خروجی شهرها، جلوگیری از ورود و خروج کالا و جلوگیری از ورود کالاهای مختلف به روستاها، تحمیل "عبادت" اجباری به حقوق بگیران در ادارات و موسسات دولتی از جمله شیوه و شوگردهایی هستند که تقریبا در تمامی شهرهای کردستان و سیما مورد استفاده رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. در روستاها نیز رژیم با تعرض به مناطق آزاد و ایجاد پایگاهها و مقرهای متعدد در ارتفاعات و در کناره‌های رودها، بستن معول وار به جان و مال مردم، خمپاره باران مکرر روستاهای در تیررس، به آتش کشیدن آندوخته و دارایی مردم، دستگیری و اذیت و آزار دسته جمعی مردم، وارد آوردن فشا و اختناق بر مردم برای تامین نیاز زمندی‌های مزدوران (از قبیل تراکتور، سوخت و نان) در صدد برآمدن که سیاست تسلیح اجباری و سر بازگیری اجباری خود را تداوم بخشد.

جمهوری اسلامی با کشتادن جنگ ویرانگر ایران و عراق به کردستان، اختناق و فقر و آوارگی بیشتری را به مردم کردستان بویژه مردم مناطق مرزی تحمیل نمود. شهرهای مرزی، بانه، سردشت، پیرانشهر و مرسوان عملا

به یادگانهای بزرگی مسدول گشته‌اند، در این شهرها علاوه بر یادگانهای وسیع و قرارگاههایی که جدیداً برپا گردیده درها مدرسه و اداره و مسجد... به محل استقرار نیروهای نظامی اختصاص یافته است و در مواردی خانه‌های مردم به زور تخلیه شده و به محل استقرار نیروهای نظامی تبدیل شده است. در این شهرها بر اثر کثرت نیروهای نظامی کمبود شدید ما به محتاج عمومی به چشم می‌خورد. اختصاص یافتن ناوایی‌ها و حمام‌های عمومی به نیروهای نظامی در اکثر اوقات، زندگی و رفاه عمومی را به وضعیت بسیار مشقت‌آوری دچار نموده است.

تاکنون شهرها و مناطق مرزی با راه هدف توپخانه سنگین ارتش عراق قرار گرفته و علاوه بر شهرهای مرزی، شهرهای سقزو و مهاباد نیز توسط بمب افکن‌های دولت عراق بمباران شده اند که نتیجه‌اش صدها تن جان خود را از دست داده، شمار زیاده‌دخمی و ناقص‌العضو گردیده‌اند. تعداد کثیری از ساکنان شهرهای مرزی و روستاهای اطراف آنها، آواره گشته‌اند و به دیگر شهرها و روستاهای کردستان کوچ نموده‌اند. این آثار و ارکان جنگی مصیبت‌زده، شریک سفره بی‌برقی مردمی گشته‌اند که خود در عین تحمل سخت‌ترین شرایط زندگی، باروی گشاده و ابراهم‌دردی عمیق پذیرای آنها شده‌اند.

## پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

● مردم در مقابل این اقدامات چه عکس العملی داشته‌اند؟

ابتدا می‌خواهم این حقیقت را یادآور شوم که مردم کردستان به انحاء مختلف نشان دادند که به حاکمیت جمهوری اسلامی تمکین ننموده‌اند. حتی خودسرمداران رژیم بارها به این واقعیت اعتراف نمودند.

هنگامیکه رژیم پدنیال ۵۹ تن از مردم‌مها با در خرد دماه، جنازه آنان را برای ارباب مسردم در تلویزیون به نمایش گذاشت، مردم نه تنها مرعوب نگشتند بلکه در پاسخ به فراخوان نیروهای سیاسی کردستان مبنی بر اعلام تعطیل عمومی در سراسر کردستان، در اعتراض به این اعدام دسته جمعی متحد و یکپارچه در روز ۱۷ خرداد به سرکا رفتند.

این در حالی بود که رژیم بارها مردم را به خاطر امتناعشان از شرکت در جمععات اجباری از قبیل مراسم سالروز جمهوری اسلامی و بازگشت امام و... مورد اذیت و آزار قرار داده بود.

توده‌های مردم روستاها علیه سیاست تسلیم اجباری رژیم به مبارزات گسترده و مداومی دست زدند، تا جائیکه بخشی از بسزور مسلح شدگان سلاحهای رژیم را در جریان این مبارزات تحویل دادند. دامنه این مبارزات گسترده بود بدین معنی که از شمال تا جنوب کردستان، در هر روستایی که رژیم خواسته باشد این سیاست را پایاده کند با مقاومت و مبارزه مردم روبرو بوده است. اما این

مبارزات در همین گسترده‌گسایش، گسترده عملی و سازمان نیافته بود. بطوریکه گاه اتفاق می‌افتاد در طول یک هفته - و یا همزمان - در روستاهای مختلفی بطور جداگانه وبدون ارتباط با هم مقاومت صورت می‌گرفت. وانگهی در تعدادی از این روستاها بدلیل سازمان نیافتگی و فقدان رهبری "حتی از طرف رهبران عملی مبارزات توده‌ای" مقاومت تا به آخر پیگیرانه ادامه نمی‌یافت و هدایت نمیشد.

اساساً بنا به این دلایل بود که رژیم توانست در بعضی از روستاها بخشی از مردم را با لاجره بزور مسلح نماید.

سیاست سر بازگیری رژیم نیز با مقاومت و مبارزه مردم روبرو شد. این سیاست در سال گذشته در مجموع ناموفق بوده است.

ادامه سیاست تبعیذستنه - جمعی خانواده‌ها در شهرهایی چون سنندج، مهاباد، سقز، بوکان و... از همان ابتدا با اعتراض و مقاومت آنان روبرو گشت، خانواده‌ها در تبعیدگاهها نیز اکثراً با استقبال و همدردی مردم محل روبرو شده‌اند. بطوریکه رژیم پس از مدتی ناچار شد حقوقی چون: مرخصی، بازگشت موقت به شهرهای خود، حق کسب وکار و روح و رود به شهرهای اطراف را برای آنان قایل شود.

بطور کلی در سال گذشته - جز تعطیل عمومی کردستان در ۱۷ خرداد و چند مورد مبارزات مردم محلات در بعضی از شهرها و همچنین

همکاری مردم با پیشمرگان هنگام عملیات در شهر - شهرهای کردستان شاهد مبارزات توده‌ای نبودند.

● پشتیبانی مردم از جنگ انقلابی چگونه بوده است؟

پشتیبانی مادی و معنوی مردم از جنگ انقلابی کردستان در آنکال گوناگون چون روی آوردن آنان به صفوف پیشمرگان، همکاری با پیشمرگان در همین عملیات‌های نظامی چه در داخل شهرها و چه در روستاها، همچنین کمکهای مالی به پیشمرگان جریان داشت. در بعضی از تبردهای سخت و نسبتاً طولانی چون نبردهای آلان (سیدشت) سورکیو (بانه) مردم مستقیماً در جنگ شرکت کردند.

این حمایت و پشتیبانی به همان درجه که سازمان داده شده‌اند اثرات پیش برنده‌ای در جنگ انقلابی داشته‌اند. متأسفانه بخش اعظم این پشتیبانی و حمایت هنوز سازمان داده نشده است. بر طرف کردن این ضعف یکی از مهمترین وظایف ما در دوره‌آتی است.

● در سطح احزاب سیاسی کردستان چه تحولاتی رخ داده است؟

سال گذشته شاهد تحول بخش - ترین رویداد تاریخی - طبقاتی مبارزه طبقه کارگر ایران بود. این رویداد که خود آغازگر دوران جدیدی در حیات سیاسی طبقه کارگر ایران است، ایجاد حزب کمونیست ایران بود. کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران در

سماه اول شهریورماه در کردستان انقلابی و در حمایت بیشمرگان رزمنده کومه له سرگزار گردید و تشکیل حزب کمونیست ایران را اعلام داشت. کومه له که خود یکی از پرچمداران ایجاد حزب کمونیست ایران بوده و از همان ابتدای تشکیل خود بر ضرورت وحدت تشکیلاتی و سیاسی طبقه کارگر و ایجاد حزب کمونیست پای فشرده بلافاصله پس از تشکیل حزب کمونیست ایران در شهریورماه امسال بدان پیوست و اکنون با نام سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له - فعالیت میازاتی خود را در سطحی عالیتر و گسترده تر ادامه میدهد.

از سوی دیگر حزب دمکرات کردستان، طی سال گذشته بیشتر به سمت شورای ملی مقاومت گرایش و با امضای طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان - که طرحی آشکارا شوونیستی است - ائتلاف خود را با آن محکمتر ساخت و عدم پایبندی خود را به خواسته های انقلابی جنبش کردستان آشکارتر کرد. جا دارد اینرا هم اضافه کنیم که حزب دمکرات در سال گذشته، نگران از بسط دمکراسی و در ادامه سیاستهای ضد دمکراتیک خود چند مورد درگیری مسلحانه را به بیشمرگان کومه له تحمیل نمود. در تابستان و پائیز گذشته حزب دمکرات سه بار در "سویستی" سردشت و نواحی

سربان و دیواندره بیشمرگان کومه له را مورد یورش نظامی خود قرار داد که منجر به شهادت تعدادی از رفقای ما شد. در اثر همین درگیریها تعدادی از پیشمرگان حزب دمکرات هم جان خود را از دست دادند.

این جنایات آشکار توده های مردم کردستان بویژه مردم شهرهای سنندج، سردشت را شدت متاثر ساخت. تعداد زیادی از مردم سنندج در پی این جنایات برای تسلیت به مقرهای ما مراجعه کردند و مردم سردشت هم که رفقای ما را می شناسند در جماع خود آشکارا این سیاست حزب دمکرات را محکوم کردند.

## ● چشم انداز این جنبش را در سال آتی چگونه می بینید؟

بدون تردید جنگ انقلابی کردستان در سال آتی با شدت وحدت بیشتر ادامه خواهد یافت. رژیم بدنیال اشغال مناطق وسیعی از کردستان به تعرضات خود بر نیروی پیشمرگان می افزاید و با هر پیشروی خود در این زمینه اختناق بیشتری را بر توده های مردم تحمیل خواهد کرد و برای پیاپی کردن سیاستهای شکست خورده ای چون سر بازگیری اجباری تلاش خواهد کرد، و بدین ترتیب رژیم در سال آینده بیش از پیش خود را در مقابل توده های میلیونی مردم قرار خواهد داد.

از دیگر سو جنبش مسلحانه کردستان در ادامه حیات ۵ ساله خود، در سال آتی نیز پنجه در پنجه نیروهای سرکوبگر رژیم افکنده و به تعرضات خود بر آسان ادامه میدهد.

حضور اکثر تئوریست و مصلح در کردستان از یکسو و آسایدگی مبارزاتی توده های مردم از سوی دیگر زمینه های مساعدی برای تداوم و رشد و گسترش مبارزه سیاسی توده ها هستند. بطور کلی میتوان گفت که جنبش انقلابی کردستان در سال آتی با دشواریها و سختی های بیشتری روبرو خواهد گشت و در این جریان درجه پیشرفت جنبش علاوه بر نحوه فعالیت بیشمرگان، به سازماندهی و رهبری صحیح و انقلابی مبارزات سیاسی و نظامی توده های مردم بستگی زیاد پیدا میکند.

در قطعه نامه مربوط به اوضاع کردستان مصوب کنگره چهارم کومه له، که تبلور اراده محکم کومه له برای پیشبرد هر چه فاطعانه تر جنبش انقلابی خلق کرد است، وظایف مهم و اساسی چون: گسترش نیروی پیشمرگ کومه له و پیش بردن مبارزه مسلحانه متکی به بسیج رزمندگان و در جهت توده ای تر کردن جنگ انقلابی کردستان، رهبری سازمان دادن مبارزات و اعتراضات و گسترش مقاومت متحدانه توده ای در شهر

## زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش

وروستا علیه استمگری ملی و حصول خواسته‌های آنان در جهت آزادی و بهبود سطح زندگی و رفاه زحمتکشان ممانعت از تشبیت قوانین ، نهادهای ارتجاعی و حاکمیت ضدانقلابی جمهوری اسلامی ، در دستور کار کومه‌له قرار گرفته است. این وظایف مهم ، تصمیم راجح حزب کمونیست را برای گسترش بخشیدن به جنبش کردستان و رویارویی با شرایط دشوار سال آتی بخوبی نشان میدهد. بدیهی است که هر چه توده‌های بیشتری از مردم تحت سیاستهای کومه‌له سازماندهی و رهبری شوند، بهمان اندازه در پیشبرد و انجام وظایف فوق موفق خواهیم بود. بنا بر این همین جا از همه مردم کردستان ، بسویژه کارگران و زحمتکشان میخواهیم که هر چه بیشتر به صفوف پیشمرگان کومه‌له بپیوندند.

به مبارزات خود علیه جمهوری اسلامی دامن زده ، و فعالیت‌های خود را در پیوند با تشکیلات‌های کومه‌له در نواحی و بخشهای مختلف کردستان سازمان داده و کومه‌له را وسیع‌تر و جدی‌تر مورد پشتیبانی مادی و معنوی خود قرار دهند. میتوانیم و باید سال آتی را به سال وارد آوردن ضربات کوبنده و درهم شکننده بر نیروهای دشمن و سال مبارزات متشکل و سازمان یافته توده‌های مردم تحت رهبری کومه‌له تبدیل کنیم.

بقیه از صفحه ۱۰

### زحمتکشان ...

درباره تاریخ کومه‌له ، آرمانها و اهداف آن و اوضاع کنونی کردستان و وظائف مردم صحبت کردند. در روستای "مران" ۱۲۰۰ نفر بدعوت کمیته بخش اوبان توگرد آمده بودند. شرکت زنان در این مراسم چشمگیر بود، یکی از زنان زحمتکش که اخیرا به صف پیشمرگان کومه‌له پیوسته است برای مردم سخنرانی کرد و اظهار داشت "من به این دلیل تعجب کومه‌له را برداشته‌ام که کومه‌له راه‌های قطعی از هر گونه ظلم و ستم و در درونج و مشقت زحمتکشان، از جمله ستم بر زنان را پیش پای ما میگذارد. چنانچه صدها هزار از همین مردمی که به این مشقت‌ها گرفتارند زیر پرچم کومه‌له متحد شوند میتوانیم این نظام پر از فقر و فلاکت و ستم را ریشه کن کنیم".

مراسم در میان شعارهای پرنشوری با مضمون "زحمتکشان ملحق شوید، با دست خود رها شوید" به پایان رسید. در بعضی از روستاها همزمان با این مراسم پیشمرگان جدیدی ملحق شده‌اند.

چند واحد از پیشمرگان کومه‌له به منظور بزرگداشت این روزیسه شهرها با در رفتن و همراه مردم شهر مراسم شکوهی برگزار نمودند. این مراسم با فروختن آتش‌ساز "زا و ابوک" که مشرف بر شهر است

آغاز گردید. پیشمرگان این ارتفاعات و محله "میدان حیوانات" را در شهر به کنترل خود در آورده بودند. مردم با شورش و فراوان از پیشمرگان استقبال می‌نمودند و آنها را به خانه‌های خود دعوت میکردند. ساعت ۸/۳۰ شب یکی از رفقای مسئول کومه‌له از بلندگوی مجدمحل برای مردم سخنرانی کرد. عده کثیری به کوچ و خیابان آمده بودند و روز کومه‌له را بیکدیگر تهنیت می‌گفتند. جوانان انقلابی شهر با ایجاد شبکه ارتباطی پیشمرگان را از حرکات دشمن مطلع نگه میداشتند. عده دیگری از زنان و مردان به جمع آوری دارو و وسایل لازم مشغول بودند.

دانش آموزان مبارز رزوه‌ها لانه در جشن روز کومه‌له شرکت کردند. در چند مدرسه دانش آموزان شیرینی پخش کردند. روی شکلات‌ها نوشته بودند "۲۶ بهمن روز کومه‌له" بسیاری از خانواده‌ها یادید و بازدید و تبریک و تهنیت این روز تاریخی را گرامی داشتند.

در پایان این روز، دز سرهای سخت بهمن ماه شعله‌های آتشی که بر قله بسیاری از کوه‌های کردستان زبانه میکشید به زبانی دیگر حکایت از آن میکرد که راه زحمتکشان کردستان برای رهایی شکست ناپذیر و پیوندشان با سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) ناگستنی است.

# سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

## دو قطعه نامه از مصوبات کنگره چهارم

### سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له

هما منظوریکه اطلاع دارید کنگره چهارم کومه له در بهمن ماه سال جاری برگزار گردید و ما در شماره قبلی کمونیست اطلاعیه پایانی این کنگره را بجا پارسا ندیم. در این شماره قطعنامه وضعیت و دورنمای جنبش انقلابی خلق کرد و وظایف ما و بخشهایی از قطعنامه "سازماندهی حاکمیت انقلابی توده ها و وظایف ما" را باطلاعتان می رسانیم.

قطعنامه در باره

#### وضعیت و دورنمای جنبش انقلابی خلق کرد و وظایف ما

۱ - با وجود اینکه رژیم جمهوری اسلامی از مقطع ۲۸ مرداد ۵۸ یعنی آغاز یورش نظامی به کردستان و به ویژه از سیام خرداد ۶۰ تا کنون با توسل فزاینده به حربه ترور و خفگان و کشتار و دستگیری و اعدامهای وسیع و بی سابقه در سراسر ایران، موفق شده است که دستاوردهای قیام بهمن ماه ۵۷ را از توده ها باز پس بگیرد، جنبشهای اعتراضی کارگری و انقلابی را سرکوب و در خون غرق کند و مخالفان سیاسی خود را قلع و قمع نماید و با وجود اینکه سرکوبهای فوق العاده بیرحمانه و ارباب ناشی از آن توده ها را از عمل مستقیم و انقلابی در حال حاضر بازداشته و هم اکنون در ایران، بجز در کردستان، جنبش انقلابی آشکار توده های در جریان نیست، اما مسأله قدرت سیاسی کماکان مسأله اصلی جامعه ایران را تشکیل میدهد و برای همه جناحهای بورژوازی و امپریالیستها و همچنین برای کارگران و توده های وسیع میلیونی مردم ایران به شکل جدی مطرح است. برای توده های وسیع مردم سرتاسر ایران، خواست سرنوشتی جمهوری اسلامی یک خواست عمیق و اساسی بوده و توده ها مترصد فرصتی هستند تا این خواست را بصورت آشکار و توده ای بروز دهند.

۲ - دوره اخیر جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد که با انقلاب سراسری سال ۵۷ نضج یافته است و بر زمینه عینی ستم ملی و برای کسب حق تعیین سرنوشت و بطور مشخص بدست آوردن خودمختاری برپا شده است، اکنون علیرغم ۵ سال سرکوب و کشتار و لیشکرکشی جمهوری اسلامی و نیز علیرغم اشغال مناطق وسیعی از کردستان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم، با استواری و استحکام ادامه دارد. جمهوری اسلامی طی پنج سال گذشته، در برابر خواست عادلانه خلق کرد، با شدت بخشیدن به ستمگری ملی این خواست را پاسخ داده است، به این جهت از همان ابتدا با مقاومت مسلحانه خلق کرد روبرو شده و اکنون بیش از هر زمان این مقاومت و رودررویی عمق و شدت یافته است.

۳ - جنگ انقلابی خلق کرد در ابعاد وسیعی در سراسر کردستان با شدت در جریان است. رژیم با تحمل تلفات سنگین توانسته است بر محورها، نقاط استراتژیک و مناطق وسیعی از کردستان دست یابد. لکن با هر پیشروی دامنه و عمق تنفروانزجار توده های خلق کرد در انبساط به خود افزایش داده است و جنگ انقلابی با تطبیق تاکتیگهای خود بر شرایط جدید به حیات و پیشروی خود در مقابل تهاجم رژیم جمهوری اسلامی ادامه میدهد.

۴ - حضور فعال پیشمرگان از تشبیت حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان مانع بعمل آورده

است ، عدم تمکین توده ها به حاکمیت رژیم و مقاومت آنان در برابر سیاستهای ضد انقلابی بیش از هر چیز نشانگر درمانندگی جمهوری اسلامی در بهر زمان و در هر جا است .

۵ - در کردستان جنبش رنگ طبقاتی بیشتری بخود گرفته است . بیداری سیاسی و طبقاتی در میان کارگران و زحمتکشان ، نسبت به گذشته با آهنگ سریعتری در جریان است . درجه تشکل پذیری آنان بالا رفته و به اشکال گوناگون کومه له را مورد حمایت مادی و معنوی خود قرار میدهند .

حزب دمکرات بعنوان نماینده بورژوازی کردستان با ادامه و تحکیم ائتلاف خود با اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی یعنی شورای ملی مقاومت در جهت تهی کردن این جنبش از مضمون دمکراتیک و انقلابی آن میکوشد .

۶ - واقعات فوق بیا نگر تسلیم نا پذیری توده های زحمتکش و ستم دیده کردستان و آمادگی مبارزاتی آنان میباشد و فراتر از آن ، نشان دهنده این حقیقت هستند که رشد و تکامل جنبش خلق کرد ، اکنون بیش از هر زمان دیگر ، به گسترش و تکامل مبارزه کارگران و زحمتکشان کردستان و در پیشاپیش آنها کومه له گره خورده است .

توده ای تر شدن جنبش درگروانست که توده های هر چه بیشتری از کارگران و زحمتکشان - بصورت متشکل و سازمان یافته و تحت سیاستهای سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له - به عرصه مبارزه مستقیم و انقلابی کشانده شوند . این امر مستلزم آنست که مبارزات اعتراضی توده های زحمتکش در شهرها و روستاهای اشغالی ، سازماندهی و رهبری شوند ، بخش هر چه وسیعتری از توده های زحمتکش به مبارزه مسلحانه جلب شوند و آلترنا تیوا انقلابی کارگران و زحمتکشان در قبال امر حاکمیت در کردستان هر چه بیشتر تثبیت گردد . در چنین شرایطی کنگره و نمایان را در دستور کار تشکیلات قرار میدهد :

الف - گسترش تشکیلات حزبی در میان کارگران و زحمتکشان کردستان .

ب - جلب توده های وسیع زحمتکشان بدور سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له

ج - تبلیغ و تلاش عملی برای ایجاد ارگانهای توده ای و انقلابی و دامنه زدن به جنبش شورائی بمنظور سازماندهی دمکراسی انقلابی و اعمال حاکمیت توده ها .

د - رهبری و سازمان دادن مبارزات و اعتراضات و گسترش مقاومت متحدانه توده ای در شهر و روستا علیه ستمگری ملی و حول خواستهای اساسی آنان در جهت آزادی و بهبود سطح زندگی و رفاه زحمتکشان .

ه - گسترش نیروی پیشمرگ کومه له و پیش بردن مبارزه مسلحانه بر مبنای یک نقشه عمل مرحله بندی شده متکی به بسیج زحمتکشان در جهت توده ای تر کردن جنگ انقلابی در کردستان .

و - معانعت از تثبیت قوانین ، نهادهای ارتجاعی و حاکمیت ضد انقلابی جمهوری اسلامی .

ز - تلاش برای شناساندن اهداف جنبش عادلانه خلق کرد در سطح جهانی ، مطلع کردن افکار عمومی جهان از رویدادهای کردستان و جلب پشتیبانی مادی و معنوی مردم جهان از جنبش انقلابی مردم کردستان .

کنگره چهارم کومه له در مورد سازماندهی حاکمیت انقلابی توده ها قطعنامه ای صادر کرد .

در ابتدای این قطعنامه آمده است که :

نظر به اینکه :

# برقرار باد جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران



- ۱ - رهبری پیروزمندان همیشه انقلابی خلق کرد برای کسب حق تعیین سرنوشت و هر چه توده‌ای تر کردن جنبش مسلحانه در کردستان بدون ارائه تصویر روشنی از حاکمیت انقلابی ناشی از پیروزی این جنبش امکان پذیر نیست :
  - ۲ - تقاضای دومبارزه طبقاتی در درون جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد و ضرورت متشکل ساختن صف مستقل پرولتاریای انقلابی در این جنبش ایجاب میکند که پرولتاریا را از هم اکنون آلترناتیو انقلابی خود را برای اعمال حاکمیت و اداره امور در کردستان پس از کسب حق تعیین سرنوشت و روشنی در برابر بدیل‌های بورژوازی قرار دهد :
  - ۳ - مبارزه انقلابی پرولتاریا در کردستان با کسب حق تعیین سرنوشت خاتمه نمی‌یابد بلکه در بالاترین سطح برای تقویت زمینه‌های مبارزه سوسیالیستی پرولتاریا ، بصورت مبارزه برای برقراری ، حفظ و گسترش دمکراسی انقلابی در شکل اعمال حاکمیت انقلابی کارگران و زحمتکشان در کردستان ، بسط و تعمیق خواهد یافت و عرصه اعمال حاکمیت خود ، به عرصه تعیین کننده در مبارزه طبقاتی بدل خواهد شد :
  - ۴ - مطرح کردن و شکل دادن به آلترناتیو انقلابی پرولتاریا در برابر حکومت مرکزی و نیز بورژوازی کرد از هم اکنون تا تیرسپاری بر رشد جنبش انقلابی در کردستان خواهد داشت و همچنین در امر بسیج دمکراسی انقلابی در سایر مناطق ایران موثر خواهد بود .
- کنگره اعلام میکند که آنچه با یگانه‌گرایی حاکمیت بوروکراتیک - نظامی جمهوری اسلامی و موازیسم و رسوم بورژوازی عقب مانده جاری گردد یک حاکمیت دمکراتیک انقلابی متکی به شوراها و واقعی مردم است ، حاکمیتی که با اتکاء به توده‌های مسلح مردم از دستاوردهای جنبش انقلابی و قوانین دمکراتیک ناظر بر منافع کارگران و زحمتکشان پاسداری خواهد نمود .
- قطعنامه سپس به این مسئله می‌پردازد که کنگره مجمع عمومی منظم و سازمان یافته را بعنوان شورای پایه تصویب نموده و تاکید کرده است که باید به یک جنبش شورایی در سراسر کردستان دامن زده شود ، لزوم تشکیل شوراها و واقعی روستا یعنی مجمع عمومی منظم و سازمان یافته اهالی روستا با بدو سیما در میان توده‌ها تبلیغ شود و برای ایجاد آنها گامهای موثر عملی برداشته شود و هر جا و هر زمان که موقعیت مناسب باشد این شوراها عملاً تشکیل گردند ، این شوراها در مناطق اشغالی بعنوان ارگان توده‌ای اعتراض و مقاومت در برابر جمهوری اسلامی و در مناطق آزاد بعنوان ارگانهای توده‌ای اعمال دمکراسی مستقیم و اداره امور محلی و در مناطق بینابینی بعنوان تلفیقی از این دو ارگان عمل خواهند کرد. همچنین بمنظور تسهیل امر تشکیل شوراها و پایه در روستاها و گسترش جنبش شورایی ، در شرایط مناسب کنگره‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای نمایندگان شوراها و روستا برای حل و فصل و بحث پیرامون مسائل مهم مربوط به زندگی و مبارزه توده‌ها ( نظیر تسلیح اخباری ، مسئله زمین و مراتع ، نحوه حمایت مادی از پیشمرگان و ... ) فراخوان داده شود و از این فراخوانها بعنوان انگیزه و عامل ترغیب برای تشکیل شوراها و ده‌در این موارد استفاده شود .
- قطعنامه همچنین بر این نکته تاکید کرده است که باید اقدامات لازم برای گسترش تسلیح توده‌ها بعمل آید .
- برطبق این قطعنامه ، کنگره تشکیلات کومه‌له را موظف نموده است تا در امور اجتماعی مربوط به زندگی توده‌ها بخصوص در زمینه‌های آموزش و پرورش ، اموری پزشکی و کشاورزی و دامپروری پیشقدم شده ، دست به اقدامات عملی بزند . در این زمینه اموری چون سوادآموزی ، آموزش بهداشت عمومی ، اقدام به واکسیناسیون و تربیت دادن دوره‌های کوتاه مدت تربیت پزشکها روستا ما در بین مردم و واکسیناسیون احشام در اولویت قرار گرفته اند .

مجموعین اکثر اسرا پس از گذراندن مدتی در بازداشتگاههای کومه له آشنایی با ماهیت و اهداف جنبش انقلابی خلق کرد و کومه له و نیز نواد آد موزی و آموزش سیاسی آزاد گردیده اند.

ج - در طی نبردهای یکسال گذشته با پاسداران اسلامی سرمایه، همچنین ۱۹۹ تن از رفقای آگاه و انقلابی ما ۱۹۹۰ تن از رزمندگان کمونیست و فرزندانشان پیشرو طبقه کارگر جان خود را در راه رهایی زحمتکشان و تحقق دمکراسی و سوسیالیسم در سراسر ایران فدا کردند. آنان سمبل پیگیری، مقاومت و آشتی نا پذیر طبیعت کا رگر در مبارزه علیه سرمایه داری و امپریالیسم و هاکمیت اسلامی آن بوده اند و یادشان همواره نیرو - بخش مادر تداوم راه سرخشان خواهد بود.

۱ - عملیات نظامی، شامل :

الف - عملیات تسخیر مقروبای یگاهای رژیم ۲۶ فقره

ب - عملیات داخل شهرها ۳۹ فقره

ج - عملیات کمین گذاری در جاده ها ۱۶۰ فقره

د - حمله به مراکز نظامی رژیم ۵۶ فقره

ه - عملیات تله و مین گذاری ۷۷ فقره

و - عملیات کنترل جاده ها ۵۰ فقره

ز - عملیات معادله انبار ۱۲ فقره

ح - مقابله با یورشهای نظامی رژیم ۱۱۰ فقره

غنا شم بدست آمده شامل :

الف - اسلحه سنگین و نیمه سنگین و مهمات مربوطه که خود شامل :

۱ - تفنگ ژ - ۳ ۹۲۹ قبضه

۲ - تفنگ کلاشینکوف ۱۹۴ قبضه

۳ - تفنگ برنو ۶۰ قبضه

۴ - اسلحه یوزی ۲ قبضه

۵ - اسلحه کلت ۵ قبضه

۶ - نارنجک دستی و نارنجک سر ز ۳۰ ۹۰۰ عدد

۷ - انواع خشاب ۴۷۹۳ عدد

۸ - انواع فشنگ ۲۵۶۷۲۷ عدد

۹ - بی سیم ۵۱ عدد

۱۰ - مین یاب ۳ عدد

۱۱ - تلفات و خسارات نیروهای دشمن :

الف - کشته و زخمی ۱۰۰۵۶ نفر

ب - اسیر ۶۴۶ نفر

ج - خودروهای منهدم شده ۳۲۷ دستگاه

بقیه از صفحه ۲۵ با حزب ..... واقعی بنویسید.

شماره نامه نامرئی باشد.

۸ - نامه هایی را که به آدرس غلطی می فرستید پست سفارشی نکنید.

۹ - در پاکت را با چسب مایع بچسبانید از چسب نواری استفاده نکنید.

۱۰ - پشت پاکت حتما آدرس غیر

۱۱ - آدرس ما را روی پاکت درجای تعیین شده خوانا و درست بنویسید.

۱۲ - از هر نامه چند نسخه رونویسی پست کنید از کپی استفاده نکنید.

۱۳ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۱۴ - تبریکه میزان معمولی بفرستید نه بیشتر و نه کمتر.

۱۵ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۱۶ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۱۷ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۱۸ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۱۹ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۲۰ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۲۱ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۲۲ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۲۳ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۲۴ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۲۵ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۲۶ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۲۷ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۲۸ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۲۹ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد

۳۰ - در هر نامه مشخص کنید که رونوشت های آن را به چه تعداد



مقدمه :

در طی یکماه اخیر حزب کمونیست ایران در سنگرهای کردستان انقلابی در نبرد علیه مزدوران جمهوری اسلامی و در عرصه های گوناگون مبارزه طبقاتی تعدادی از رفقای آگاه، پیشرو و انقلابی خود را از دست داد.

در این شماره کمونیست اسامی ۱۴ تن از این رفقا را اعلام میکنیم وبعلاوه مختصری از زندگی نامه رفقای جان باختراه آزادی و سوسیالیسم، رفیق خالد فرهازاده معروف به استاد عبدالله، انقلابی حرفه ای و کمونیست وعضوکومه له که در اردیبهشت ماه سال ۶۲ بر اثر یک حادثه ناگوار جان خود را از دست داد، رفیق عمر قیسی کمونیست انقلابی، عضوکومه له و مسئول کمیته شهر سز که پس از ۱۸ ماه مقاومت قهرمانانه در برابر جلادان شکنجه گر جمهوری اسلامی در تیرماه ۱۳۶۲ به جوخه اعدام سپرده شد، رفیق علی اکبر سعیدی مبارک، کارگر کمونیست و انقلابی، عضو اتحاد مبارزان کمونیست وعضوکمیته اسفهان این سازمان که پس از یکسال وچندماه مقاومت قهرمانانه در مقابل شکنجه های وحشیانه مزدوران اسلامی در آذرماه ۱۳۶۲ در مقابل جوخه آتش پا سداران اسلامی سرمایه و امپریالیسم قرار گرفت را به چاپ میرسانیم :

## گرامی باد یاد جانباختگان راه سوسیالیسم

کمونیستها جان باختگان خود را در راه های از تقدس خرافی و مذهبی نمی بینند، زیرا جانباختگان در راه های لازمه پیروزی طبقه ای است که هر روز وهر ساعت نوجوانانش، بیسر مردان و پیرزنانش و میلیونها زن و مردش در کاخها، معادن و مزارع و در کل بدویستی که بورژوازی آنرا جا معنا میدهد است، می میرند و زنده میشوند.

جان باختگان کمونیست گرامی و فرا موش ناشدنی اند، زیرا در راهی تا به آخر جنگیده و با زنا پستانده اند که خود گرامی و مقدس است :

راه رهایی طبقه کارگر و کل بشریت از نظام استعمار وستم سرمایه داری و بی افکندن جا معای نوین و ناپیسته انسان آزاد. اگر کمونیستها در زندگی هر روز خود آموزگار کارگران در امر انقلاب رها نبخش کمونیستی اند، کمونیستها بی که قهرمانانند در این راه به استقبال مرگ می تانند، گرامی ترین آموزگارانند، زیرا آنان استقبال، زبونی و ناتوانی بورژوازی و بیحاصلی دستگاه قهر و سرکوب او را در برابر اراده استوار کارگران انقلابی به روشنترین وجه به ثبوت میرسانند.

گرامی باد یاد جانباختگان راه سوسیالیسم!

درود بر انقلابیون کمونیستی که در سنگرهای کردستان انقلابی و در سیاه چالهای جمهوری اسلامی جان خود را در راه آزادی و سوسیالیسم فدا کردند.

رفقا :

- ۱ - عباس زمانی دادانده - پیشمرگان رزمنده و انقلابی کومه له که در نبردهای قهرمانانه و گسترده پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، علیه مزدوران جمهوری اسلامی در مسیر جاده بانه - سردشت در روزهای ۲۷ و ۲۸ بهمن ماه، جان خود را در راه تحقق آزادی و سوسیالیسم فدا نمودند.
- ۲ - احمد تاریک (پیش عضو ک.ا.)

## خاطره از جهان گذشتگی های انقلابی کمونیست رفیق خالد فرهادزاده عزیز و گرامی است

روز ۲۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۲ رفیق خالد فرهادزاده بنا به نام تشکیلاتی استاد عبدالله طی یک ماه موریست تشکیلاتی در ناحیه سردشت خان خود را از دست داد . مرگ این رفیق فداکار و انقلابی کومه له ، زحمتکشان ناحیه سردشت و همه کسانی که از نزدیک او را می شناختند را درنا را حتی واندوه عمیقی فروربرد . رفیق خالد با چنان حدیث و بیستکاری فعالیت میکرد که تا مدتها پس از مرگش فقدان او در تشکیلات احساس میشد . رفیق خالد فرهادزاده در سال ۱۳۳۲ در شهر بوکان در یک خانواده زحمتکش دیده به جهان گشود . دوران تحصیلات ابتدائی و دبیرستان را در شهر بوکان به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۶ از انستیتو تکنولوژی رضائیه بخش برق و مکانیک فوق دیپلم گرفت . در دوره تحصیل به دلیل نیاز خانوادگی و ذوق و استعداد های شخصی اش به کارهای فنی ، جوشکاری و مکانیکی را بخوبی یاد گرفت و به لقب استاد خالد مشهور گردید . رفیق خالد از همان ابتدای زندگی با مشکلات و رنج و کار آشنا گردید و با کارگران و زحمتکشان بوکان روابط نزدیک و صمیمانه ای ایجاد نمود . با آنها رفت و آمد همیشگی برقرار کرده و اکثر آنها را می شناخت . اعتماد آنان را بخود جلب کرده بود . در حل

۲ - خدر محمدی

( عضو ک.ا. فرمانده دسته و معاون پل )

۲ - کریم آرایش

پیشمرگان آکا و جوسور کومه له که در نبردهای ۶۲/۱۱/۳۰ ناحیه بوکان علیه مدافعین جبهه و سرمایه و در راه رها سازی خلق تحت ستم کرد و دمکراسی و سوسیالیسم جان باختند .

د - صالح کریمی

( پیش عضو ک.ا. فرمانده دسته و معاون پل ) نبردهای ۶۲/۱۱/۲۶ بمناسبت بزرگداشت روز کومه له ، ضمن تاروما زدن نیروهای جمهوری اسلامی در حومه شهر مریوان ، هدف گلوله مزدوران قرار گرفت و قلب پرشورش از پیش باز ایستاد .

۶ - جلال منزوی

انقلابی حرفه ای و کمونیست ، فرزند آکا ها که رگران و زحمتکشان خوزستان و عضو سابق سازمان پیکا رکه پس از بیست و تلافی سازمانهای پیولیستی و رشد و تحکیم ما رکیسم انقلابی و تشکیل حزب کمونیست ایران به حزب کمونیست پیوسته بود .

این رفیق در ادامه نبردهای قهرمانانه پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران ، گردان کاک فواد علیه مزدوران جمهوری اسلامی در ناحیه مریوان در عملیاتی در ۶۲/۱۱/۲۸ هدف گلوله پاسداران جبهه و سرمایه قرار گرفت و جانش را در راه تحقق اهداف حزب کمونیست ایران و آرمان سوسیالیسم فدا نمود .

۷ - محمد مهاجری

( پیش عضو ک.ا. فرمانده دسته )

پیشمرگ انقلابی و رزمنده کومه له که در نبردهای روز ۶۲/۱۱/۲۱ در ناحیه مهاباد زخمی شد و یک هفته بعد علت شدت جراحت وارده در بیمارستان جان باخت .

مشکلات زندگی بیاریشان می داد و بطورکلی به یارومشا ورمیمی و موردا اعتماد آنان تبدیل شده بود.

درچنین موقعیتی بودکه رفیق خالد در سال ۱۳۵۵ با رفقای تشکیلات کومه له در شهر بوکان ارتباط برقرار کرد و در رابطه با کومه له زندگی سیاسی و تشکیلاتی خستگی ناپذیر و سراسر مبارزه اش را شروع کرد و تحت رهبری کومه له آن رانا اوج افتخار آمیزترین انقلابیگری و از خودگذشتگی کمونیستی ادامه داد. در زمان حکومت شاه برای برقرار کردن ارتباط هرچه نزدیکتر و طبیعی تر با کارگران و مخفی کردن این رابطه از مزدوران ساواک به کارگاری و بلوک زنی پرداخت و در همین رابطه به تبلیغ سیاستهای کومه له در میان زحمتکشان و کارگران ساختمانی پرداخت. در مبارزات سراسری توده ای در سالهای ۵۷ - ۱۳۵۶ رفیق خالد مبارزه زحمتکشان بوکان را سازمان داده و در پیشبرد و رهبری آن نقش فعالی ایفا کرد. تظاهرات توده ای کارگران و زحمتکشان ناحیه بوکان را در این دوره میتوان نتیجه مستقیم فعالیتهای سیاسی و انقلابی رفیق بحساب آورد.

پس از قیام بهمن ماه و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی رفیق خالد جهت ادامه فعالیت سیاسی و تشکیلاتی و گسترش نفوذ هرچه بیشتر کومه له در میان زحمتکشان منطقه سردشت، که از نظر نظامی هم برای کومه له خیلی اهمیت داشت، به این منطقه اعزام شد.

۸ - برهان انصاری  
(عضو ک.ا. و مسئول سیاسی پل)

پیشمرگ آگاه و رزمنده کومه له که در درگیری روز ۱۳ اسفندماه ۱۳۴۲ در بخش سوماد شمال کردستان زخمی شد و در ۶۲/۱۲/۱۹ در بیمارستان درگذشت.

۹ - جواد جلیلی  
(پیش عضو ک.ا. و مسئول سیاسی دسته)

پیشمرگ رزمنده و انقلابی کومه له که در تاریخ ۶۲/۱۱/۲۳ در ناحیه کرمانشاه بر اثر انفجار مین که توسط مزدوران جمهوری اسلامی کار گذاشته شده بود جان خود را از دست داد.

۱۰ - فتح احمدی  
(پیش عضو ک.ا. و فرمانده پل)

پیشمرگان انقلابی و رزمنده کومه له که در نبردهای قهرمانانه نواحی سنندج و دیواندره در تاریخ ۲۰ و ۱۶ اسفندماه برای درهم شکستن تهاجم مزدوران جمهوری اسلامی به مناطق و روستاهای آزاد منطقه جنوب کردستان هدف گلوله یا سداژان جهل و سرمایه قرار گرفته و جان خود را در راه رهایی خلق ستم دیده کرد و تحقق آزادی و سوسیالیسم فدا نمودند.

۱۱ - عباس فیضی

۱۲ - فرشته حکیمی

پیشمرگان انقلابی کومه له که در اثر حوادث و وقایع اسفبار و ناگوار جان خود را از دست دادند.

۱۳ - کیومرث نقی  
(پیش عضو ک.ا. و فرمانده پل)

۱۴ - مجتبی اسدزاده

طی مدت کوتاهی پس از شروع فعالیتهای سیاسی و تشکیلاتی در میان توده های مردم این منطقه، رفیق خالد با نام استاد عبدالله همچون یک چهره آشنا و انقلابی و پیشرو شناخته شد.

رفیق خالد در تمام دوره فعالیت انقلابی و کمونیستی اش بعنوان رفیقی دلسوز، فداکار و خستگی ناپذیر محبوب تمام پیشمرگان، تمام زحمتکشان منطقه و تمام کسانی که او را را می شناختند بود. او زحمتکشان را عمیقاً دوست میداشت، در دادن آگاهی و بیداری طبقاتی آنان و گردآوری شان در صفوف تشکیلات کومه له ابداع خستگی نمی شناخت و یکدم از حرکت بازمی ایستاد

عشق و علاقه بی‌پایان به رهائی کارگران از استثمار و ستم سرمایه داری و ایمان تزلزل‌ناپذیرش به پیروزی نهائی کارگران و نابودی حاکمیت سرمایه داری از او چنان فعال بی‌شائبه و خستگی‌ناپذیر، چنان انقلابی بی‌گیر و چنان کمونیست شریفی ساخته بود که هر زحمتکش شریف و هراقتلایسی آزادیخواهی را بسرعت جذب خود میکرد.

رفیق خالدهما می طرفیتها، قابلیتها و توانائیهای خود را با آنان، برای آگاه کردن آنان و جذب آنان به سوسیالیسم و کومه له قرار داده بود. علاوه بر آگاهی کمونیستی و ایمان خدشه‌ناپذیر به آزمان رهائی کارگران و زحمتکشان و مهارت در انتقال این آگاهی، رفیق خالدهما سلیقه و استعداد و توانائی فنی خاصی در رشته‌های گوناگون داشت. او در عین حال که نیازهای توده مردم را با مهارت برآورده میکرد خود این توانائی و رابطه اش را به کاتال و ابزاری در خدمت آگاهی توده محروم و تبلیغ سیاستها و اهداف کومه له در بین آنها قرار داده بود.

رفیق خالدهما در دهه‌های دهه بیست و یک کمونیست و انقلابی حرفه‌ای در سال ۱۳۵۸ به عضویت سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له - پذیرفته شد. او علاوه بر توانائیها و قابلیتها پیش در عرصه سیاسی و کار رتوده‌ای در میانه نظام هم فرماندهای مبتکر، مسرور و رزمنده بود. او یکی از فرماندهان نظامی کومه له بود که

در نبردهای سال ۱۳۵۹ پیشمرگان کومه له علیه یورش اشغالگران جمهوری اسلامی به کردستان شایستگی‌ها و ولایت فراوانی از خود نشان داد و نبردهای پیروزمندی را علیه مزدوران جمهوری اسلامی رهبری کرد. از مهمترین عملیاتهای نظامی پیشمرگان کومه له علیه نیروهای جمهوری اسلامی که رفیق خالدهما در زاده آنها را رهبری کرد میتوان از عملیات تسخیر پایگاه ربط و پایگاه قولتی در نزدیکی شهر سردشت و نیز عملیات مشهور و قهرمانانه تا روما رکردن ستون اعزامی دشمن از یانه به سردشت در محلی بنام دارساوین در سال ۱۳۵۹ نام برد. رفیق خالدهما در زاده، استاد عبدالله، در منطقه سردشت ما موریتها و مشولیتهاى مختلفی را بر عهده گرفته و تمامی آنها را همچون یک کمونیست و انقلابی پیگیر و دلسوز با کمال دقت و موفقیت انجام میداد. سرانجام در حین انجام یکی از این ماموریتها، جان خود را در راه تحقق اهداف و آرمانهای کومه له و طبقه کارگر ایران از دست داد. در مراسم گرامی داشت او یکی از رهبران حزب کمونیست ایران خطاب به مردم چنین اظهار داشت: "شما همگی اطلاع دارید که کومه له در تدارک تشکیل حزب کمونیست ایران است. اگر میخواهید بدانید که کمونیست چطور انسانی است و حزب کمونیست از چگونه آدمیائی تشکیل میشود، استاد عبدالله را به خاطر بساوید."

بله! حقیقتا او نمونه و سمبل یک انقلابی کمونیست بود. حزب کمونیست ایران، طبقه کارگر و خلق رزمنده کرد خا طره، این رزمنده خستگی‌ناپذیر راه‌رهائی و سوسیالیسم را همواره گرامی خواهند داشت.

## خاطره استواری و مقاومت قهرمانانه

### رفیق کمونیست عمر فیضی

#### راگرهای بداریم

در سینه دم‌یکی روزهای تیره‌ای ۱۳۶۲ جلادان جمهوری اسلامی یکی از فعالترین کارهای کومه له و یکی از قهرمانان مقاومت در برابر شکنجه‌های وحشیانه زندانهای جنمی را به جوخه اعدام سپردند.

اعدامی، کمونیست انقلابی رفیق عمر فیضی عضو کومه له و مسئول کمیته شهر سقز بود. از رفیق عمر علاوه بر خا طره، سالها زندگانی مبارزاتی در کتا رفقایش خا طره ۱۸ ماه مقاومت قهرمانانه و سرخستانه در زندانهای جمهوری اسلامی و در مقابل وحشیانه‌ترین شکنجه‌های ضد بشری برجای مانده است. مرگ قهرمانانه این کمونیست انقلابی، همچون زندگیش، برای کارگران و توده وسیع مردمی که در هم شکستن بساط ظلم و ستم و خفقان این رژیم قرون وسطائی شربینترین امید و آرزوی زندگیشان را تشکیل میدهد، آموزش دهنده و نیروبخش بود. رفیق عصریامرگ قهرمانانه، با مقاومت سرخستانه

و با دفاع سازش ناپذیر و عاری از ترلزلس از حقانیت عقاید و تشکیلات کمونیستی اش، نشان داد که جمهوری اسلامی و تمامی نساط سرکوب و شکنجه و اختناقش در مقابل اراده آگاه و انقلابی طبقه کارگر و پیشروان کمونیستش چه حقیر و مضحک و بی مقدار است.

رفیق عمر در سال ۱۳۳۵ در یکی از روستاهای ناحیه سقز متولد شد. ضمن تحصیل و زندگی در شهر سقز، به مبارزه سیاسی روی آورد، با زحمتکشان و توده های محروم ارتباط گسترده و محکمی برقرار کرد و در همین روند با مارکسیسم - لنینیسم، علم رهایی طبقه کارگر آشنا شد و آنرا فرا گرفت. رفیق عمر با شور و اشتیاق یک جوان انقلابی راستین در جنبش توده ای علیه رژیم شاه شرکت نمود و پیروز سرنگونی این رژیم و گسترش و تعمیق مبارزه انقلابی و طبقاتی در کردستان، به سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له - پیوست و در تشکیلات مخفی شهر سقز سازماندهی شد.

فعالیت خستگی ناپذیر برای سازماندهی زحمتکشان و جوانان شهر و روستا در صفوف و تحت رهبری کومه له و تلاش پیگیرانه اش برای گسترش نفوذ و اعتبار کومه له در میان توده ها و برای پیشبرد انقلاب، رفیق عمر را در مدت کوتاهی همچون یک رفیق کاردان و قابل اتکا پرورش داد. در جریان یورشهای رژیم جمهوری اسلامی در تابستان ۱۳۵۸ و بهار ۱۳۵۹ به شهرهای کردستان رفیق عمر

فعالانه و از نزدیک مسازرات و اعتراضات مردم سقز را سازمان داده و رهبری میکرد. در سال ۱۳۵۹ از طرف تشکیلات به مسئولیت کمیته شهر سقز انتخاب گردید و در سال ۱۳۶۰ به عضویت کومه له درآمد. دهها جوان انقلابی و زحمتکش در اثر فعالیتها و مساعی رفیق عمر پرورش یافته و به فعالین کومه له تبدیل گردیدند. رفیق عمر همیشه در انجام و پیشبرد امور و وظایف تشکیلات با مایه گذاشتن از کار رجورانه و صورانه و ابتکار و اراده انقلابی بعنا به یک عنصر نمونه و سمبل دقت و خستگی ناپذیری و احساس مسئولیت بود. او همچون یک آموزگار و پیشرو عمل میکرد و همیشه در اطراف خود شور و شوق و اعتماد انقلابی می آفرید.

در تاریخ یازدهم دیماه ۱۳۶۰ رفیق عمر توسط جنایتکاران جمهوری اسلامی شناسائی و دستگیر شد. بمحض ورود به زندان تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرارش دادند. تمام حیلله های نیاکان خود را بخدمت گرفتند، از تطمیع و معامله گری گرفته تا تهدید و اعدامهای نمائینی و البته تسادسانانی ترین شکنجه و آزار و اذیت، اما رفیق عمر فیضی از مدتها قبل تصمیم خود را گرفته بود:

سکوب در برابر جلاخان و شکنجه گران برای حفظ اسرار و اطلاعات تشکیلاتی و دفاع از آنکار از شرافت، ایدئولوژی و تشکیلات کمونیسی خود.

بارها او را در میان برف و یخ - بندان زمستان شهر سقز با تن خویس

و محروم ساعتها نگاهداشتند، تمام تحارب ساواک و تمام وحشیگرهای پاسداران را روی او آزمودند، صحنه های دروین اعدام برایش ترتیب دادند و دوباره و دوباره شلاقها و کالسهایشان را بخدمت گرفتند، اما دیوار بیولادین اراده و ایمان کمونیستی رفیق عمر محکمتر از آن بود که شکنجه گران تصورش را می کردند.

علیرغم تلاش جلاخان برای مخفی نگهداشتن عجزشان خیرابین مقاومت جانانه رفیق عمر در سراسر شهر پیچیده بود و توده مردمی را که آرزوی چنین مقاومسی از فرزند خود در مقابل دشمن را داشتند شادمان کرده و نیرومی بخشید. بسیاری از مردم روزهای ملاقات به بهانه های گوناگون اما در واقع برای دیدن رفیق عمر به زندان می رفتند.

جلاخان بدون هیچ مدرکی به ۱۲ سال زندان محکومش کردند. اما رفیق عمر در زندان هم دست از فعالیت انقلابی برنداشته بود و تلاش خود را در جهت تشویق مقاومت و مبارزه و قاطعیت انقلابی در برابر شکنجه گران و توابین در میان زندانیان ادامه می داد. جلاخان دوباره سراغش آمدند. وقاحتشان بی پرده بود: یا توبه کن و برای مصاحبه آماده باش یا اینکه اعدام خواهی شد. اما حساب رفیق عمر هم صریح و هم قاطع بود: هر چهار دستت را برمی آید بکنید. مزدوران مایوس از کارآئی شلاق و شکنجه توانین - این خود فروشان بی مقدار - را بسراغش فرسایند

سیاسی و انقلابی روی آورد و تا روز قرا رگرفتنش در مقابل جوخه اعدام با ساداران اسلامی سرمایه - داری و میربالیسم، هر روز در جهت تکامل و تعمیق این مبارزه، در جهت فراگیری و کاربست مارکسیسم و در جهت تسلیح طبقه اش به این اندیشه رها شیبش دمی از فعالیت با زنا یستاد، بعد از قیام بهمن ۱۳۵۷ در سازماندهی و رهبری مبارزه کارگران بیکار کسج فعالیت بسزائی داشت و بی تردید یکی از فعالترین رهبران پیشرو و سازمانی این مبارزات توده‌ای بود. حتما خیلی از کارگران قیافه رفیق علی را هنوز با طرمبیا ورنند که از این محله کارگری به آن محله و از این شهرک به آن شهرک، در حالی که از طریق بلندگو کارگران را به اتحاد مبارزه و به گردهمایی و اعتراض فرا میخواند، در حرکت بود.

رفیق علی اکبر سعیدی که بسیاری او را با نام مستعار "محمد" می شناختند مدتی مبارزات خود را در تشکیلات گروه "رهايي زمينگشان" دنبال کرد و در اواخر سال ۱۳۵۹، پس از آشنایی بیشتر با ایدئولوژی طبقه کارگر و شناخت عمیقتر مارکسیسم به همراه اکثریت اعضا و هواداران گروه مذکور به اتحاد مبارزان کمونیست پیوست، نقش او در جهت گیری کمونیستی سایر افراد این گروه و پیوستنشان به اتحاد مبارزان کمونیست، کاملاً پیشرو و برجسته

مبارکه عضو اتحاد مبارزان کمونیست و عضو کمیته تشکیلات افغانان این سازمان توسط جنايتکاران اسلامی سرمایه و میربالیسم به جوخه اعدام سپرده شد.

رفیق علی در میان پیشروترین بخش طبقه کارگر ایران، در میان کارگران صنعت نفت پرورش یافت پدرش کارگر شرکت نفت بود و علی دوران کودکی و جوانی را در محلات کارگری شرکت نفت گذراند. برای تا مین معاش مجبور شد که از سن ۱۲-۱۵ سالگی به کار بپردازد. او ضمن درس خواندن به انجام کارهای متنوع میپرداخت و بعد از گرفتن دیپلم در شرکت های ساختمانی جنوب به کارگری و نقشه برداری پرداخت خاستگاه و تربیت کارگری رفیق علی شرایط مساعدی را فراهم آورد تا در جریان مبارزه اش علیه مظلوم سرمایه داری و فلاکت و نکبت زائیده این نظام هر چه سریعتر به مارکسیسم - لنینیسم، علم مبارزه و رهايي طبقه خود، جلب گردد و آنرا فراگیرد.

رفیق علی مبارزه سیاسی را از چند سال قبل از قیام بهمن ماه شروع کرد و در رابطه با یکی از جریانات چپ آن زمان مبارزه خود در راه رهايي طبقه کارگر و توده زحمتکش از قباد استثماری بردگی سرمایه داری را تداوم بخشید.

با او جگیری جنبش توده‌ای در سالهای ۵۷-۱۳۵۶، رفیق علی طوخره‌های و تمام وقت به مبارزه

و رفیق مراد در جواب آنها که "اگر معاویه نکنی اعدام میشوی" گفت که "شما از همان روزی که توبه کردید با ذلت و غواری مرید ولی من اگر هم اعدام شوم سرم فراشته است و آرمانم زنده".

شکنجها دوباره شروع شد. رژیم مطمئن شده بود که رفیق عمر مسئول تشکیلات کومه له در شهر سقز بوده است اما هیچگاه موفق نشد که کوچکترین اطلاع یا تائیدی را از زبان خود رفیق بدست آورد. رفیق عمر در تمام مدت زندان با بهرون و با تشکیلات کومه له ارتباط داشت و با احساس مسئولیت کمونیستی، سازمان را از مسائل درون زندان آگاه میکرد.

سرانجام پس از ۱۸ ماه تحمل شکنجها و معاقب و دست و پنجه نرم کردن با شکنجگران اسلامی سرمایه و میربالیسم رفیق عمر شکست - ناپذیری خود را تثبیت نمود و جلادان مایوس از در هم شکستن اراده پولادینش در تیرماه ۱۳۶۲ او را به جوخه آتش سپردند.

با دش در قلب همه رهروان راه سرخ سوسیالیسم و انقلاب همواره عزیز و گرامی است.

**یاد کارگران آگاه و انقلابی کمونیست**

**رفیق علی اکبر سعیدی مبارکه**

**راگزامی داریم**

کارگران آگاه و کمونیست و انقلابی  
مرفه‌ای رفیق علی اکبر سعیدی

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**



بود. او از همان ابتدا قابلیت و استواری خود در پیشبرد مبارزه کمونیستی را نشان داد و سرعت در تشکیلات اتحاد مبارزان کمونیست رشد کرد و به عضویت این سازمان درآمد. رفیق علی در تشکیلات اصفهان اتحاد مبارزان کمونیست سازماندهی شده بود و قبل از دستگیری به عضویت کمیته تشکیلات اصفهان انتخاب گردیده بود. از خضایل برجسته رفیق علی توانا نشیهای همه جانبه او در رشته های گوناگون فعالیت حزبی و انقلابی، قدرت بسیج و تبلیغ بوده، متانت انقلابی روحیه عالی و استقامت کارگری و کمونیستی بود. وظایف تشکیلاتی و کمونیستی اش را با دقت و با احساس مسئولیت کمونیستی انجام میداد و در تلاش

بموقعه جهت پیشبرد هر چه بیشتر و بهتر این وظایف اصلاحی نمی شناخت. در پائیز سال ۱۳۶۱ جنایتکاران اسلامی او را به اتفاق عده ای دیگر از فعالین اتحاد مبارزان کمونیست در اصفهان دستگیر کردند و بلافاصله زیر وحشیانه ترین شکنجه های توانفرسا قرار دادند. رفیق علی از همان ابتدا در مقابل دزخیمان اسلامی سرمایه و استثمار چون گوه ثابت و استوار ایستاد و کوچکترین تزلزلی از خود نشان نداد. در تمام دوره زندان اش از پائیز ۱۳۶۱ تا هنگامی که تیرباران گردید اغلب ممنوع الملاقات و "بلا تکلیف" بود. مزدوران او را در مقابل دو انتخاب قرار داده بودند: یا تسلیم، خیانت به آرمانها و طبقه خود و پیوستن به

صف دشمنان کارگران و زحمتکشان یا مقاومت و تیرباران توسط پاسداران مسلح سرمایه و استثمار. رفیق علی در انتخاب راه درست، راه طبقه اش، راه سرخ انقلاب و سوسیالیسم و راه حزب کمونیست ایران لحظه ای هم درنگ و تردید بخود راه نداد. او با دفاع ایدئولوژیکی از مرام کارگران، از سوسیالیسم و از شرافت کمونیستی مرگ را با سربا افراشته پذیرا سرانجام در آذر ماه ۱۳۶۲ جنایتکاران اسلامی جهل و سرمایه او را در مقابل جوخه آتش قرار دادند و شاعر زنده با دسوسیالیسم او، که با صفر گلوله پا سدا را در هم آمیخت، خاطره اش را برای همیشه در یاد دودخاطر طبقه کارگر و حزب کمونیست ایران جاودانه ساخت!

بقیه از صفحه ۳۱ با حزب ...  
برای فرستادن این جدول ابتدا در مقابل حروف و یا کلمات علائم قرار دادی بگذارید، و در نامه بعد بگوئید اینس علائم قرار دادی برابر با کدام اعداد در جدول شما است.  
مثال: در نامه اول  
ت = ۶۸  
ج = ۱۲۸  
الف = ۵۸  
و در نامه بعد:  
۶۸ = ۴۵ - ۶۴ - ۲۲  
۱۲۸ = ۲۲ - ۳۰ - ۴  
۵۸ = ۹ - ۱۴ - ۸  
برای جدول رمزتان نامی انتخاب کنید و در ابتدای نامه -

ها شیکه به مرزات نام جدول را بنویسید.  
۲ - برای رساندن اطلاعات محرمانه بدست ما راههای دیگری نیز وجود دارند، مانند خورد کردن اطلاعات به اجزایی که به تنهایی معنایی ندارند. سپس هر قسمت را میتوانی با استفاده از جوهر نامرئی در نامه های مجزا نوشته و بر ایمان ارسال دارید.  
مثال:  
برای فرستادن یک آدرس ابتدا نام شهر، در نامه دیگری نام خیابان و به همین ترتیب نام کوچه و پلاک را برایمان بفرستید.  
۴ - در رمز کردن دقت کنید پیش از پانگنویس در نامه، چند بار مطالسی را که رمز کرده اید امتحان کنید تا مطمئن شوید که درست رمز کرده اید

۵ - برای خودتان نام و نام فامیل مستعار انتخاب کنید که ما شمارا به آن نام بشناسیم و بتوانیم رسیدن ما را بهمان نام اطلاع دهیم. دقت کنید که اسم کوچک به تنهایی کافی نیست، زیرا رفقای متعددی با یک اسم کوچک مشابه مکتب میکنند. حتما نام فامیل مستعاری نیز قید کنید.  
۶ - اگر آشنایی در خارج دارید می توانید نامه ای را که میخواهید برای ما ارسال دارید ابتدا به آدرس آشنایان در خارج بفرستید و از او بخواهید که نامه شمارا به آدرس غلنی ما در خارج پست کند.  
۷ - نامه هایتان را حتماً تاریخ و شماره بزنید بهتر است بقیه در صفحه ۱۸

## پیام بنام استبداد ماروس

### روز جهانی زن

زنان آزادیخواه ایران!

ستمی که بر شما می‌رود، بر هیچکس پوشیده نیست. پنج سال تکاپوی ارتجاع یورژوا - امپریالیستی در تکیه به حکومت مذهبی در ایران، به مصائب، مشقات، فلاکت و بی‌حقوقی توده‌های مردم این کشور، ابعاد بی‌خارج از تصور بخشیده است. اما در این میان چه کسی است نینده همه آن بی‌حقوقی رسمی عهد بربریت و جاهلیت که جمهوری اسلامی بر سر توده مردم می‌کوبد، بی‌رحمانه تر از هر بخشی از جامعه نخست زنان را قربانی گرفته است.

در بی‌حقوقی عمومی و رسمی استبداد اسلامی، شما زنان بی‌حقوق‌ترین گمانید. اعمال ستم و تبعیض علی‌رسمی بر شما - این تبعیض فدانسانی در برتر قرار دادن نیمی از جامعه علیه نیمی دیگر - چهره کربیه و دهشتنا رو خود را هر روز عیان‌تر و عریا‌ن‌تر ساخته است. زیر منگنه حادثه‌ترین فشا رهای سازمان یافته اجتماعی و سیاسی، شما زنان را با وسعت از محیط کار اجتماعی، از کارخانه و مدرسه و اداره اخراج می‌کنند تا جز پذیرش موقعیت آشکارا برده‌واری که مذهب و قوانین مذهبی بر زنان مقرر داشته است، عملاً راه گریزی برای شما نماند. حجاب اجباری گشته است و شما زنان را با همان خوشنودی که در آفرینای جنوسی سیاهان را از سفیدان جدا می‌سازند، در محیط کار، اماکن عمومی، و حتی در معا بر از شهروندان درجه یک جدانگه می‌دارند. انواع باندهای سیاه اوباش حزب الله و دختران زینب در تکاپویند تا با جنوسی که کوکلاس کلان‌ها و لینچ‌کنندگان سیاهان در آمریکا و پان‌ساران آپا را پدید در آفرینای جنوسی را بیاد می‌آوردند، اعتراض شما را علیه مقررات تبعیض جنسی و برادگی آشکار، با وقیحانه‌ترین آزارها و ضرب و شتم کیفر دهند. دستگاه‌های تبلیغی و سردمداران رژیم، تحقیر رسمی و تبلیغ برادگی زن را وظیفه عام خود ساخته‌اند، و در این راه چنان پیش رفته‌اند که در نمازهای جمعه، همچون بازارهای برده‌فروشان عهد

باستان، مبلغ علی‌ن کربیه‌ترین برادگی زن، یعنی فحشاء رسمی‌ای می‌گردند که در لغاف مذهبی "میغه" و "ازدواج موقت" پیچیده گشته است.

ستمکشی زن جز جدایی ناپذیر هر جامعه سرمایه‌داری است. اما آن وضعیتی که در ایران به شما زنان تحمیل شده است با هیچ گوشه دیگر جهان قابل قیاس نیست، چرا که در ایران یورژوازی احکام اسلام را قوانین حکومت خود قرار داده است، زن در اسلام انسان ناکامل است و جنس فرودست. استبداد اسلامی‌ای که توحش خود را وثیقه نجات سرمایه‌داری بحران زده این کشور قرار داده است، با تمام قوانین جنایات و موجودیت خود زنان را به این موقعیت برادگی آشکار و رسمی سوق می‌دهد: مهربانی بی‌عنوان جنس فرودست، از همان بدو تولد رسماً بر جنس زن حک می‌گردد. زن همه جا و در همه شئون، از همان کودکی بعنوان جنس فرودست تحقیر می‌شود، همه عمر تحت قیمومیت مردان قرار دارد، نه فقط از حق طلاق مطلقاً بی‌بهره است که همان ازدواجش هم در گرو اجازه قیم گذاشته شده است، حتی حق سرپرستی کودکانش از او دریغ شده است، گذرانش به "نفقه" و "مذقه" مرد واگذار شده است، و وظیفه تمام عمرش اطاعت از مرد، کنیزی مرد و زاد و ولد، با زهم برای مرد، مقرر گشته است. آنچه جمهوری اسلامی با تکیه به مذهب و کسل موجودیت منحوس خود پیش چشم شما زنان گسترده است، برادگی جنسی و تباهی نیست. این سیاهی و تباهی بی‌حقوقی مطلق عهد بربریت که زنان ایران را در خود فرو برده، این تبعیض علی‌ن و برادگی رسمی بغا طر جنسیت، این ستم و سرکوب سازمان یافته که بر بستر فقر و فلاکت روز افزون و حادثه‌ترین فشا رهای اقتصادی و اجتماعی اعمال می‌شود بحدی است که هیچ جایی برای تن‌دادن به مناسبات و اصلاح وضعیت موجود باقی نگذاشته است. این استبداد سیاه مذهبی در ادامه ۵ سال جنایات و حملات بی‌وقفه خود علیه شما زنان، امروز دیگر آرزوی دیرین شما برای رهایی از تبعیض، خواست بحق شما برای یک زندگی انسانی عاری از ستم و عشق به آزادی و انسان در وجود شما را آماج حمله گرفته است. همان نیرویی را در وجود شما، با همه موجودیت ارتجاعی خود مورد هجوم قرار داده است

کرده ایم که تا برانداختن نظام سرمایه داری - این سرمنشأ همه مصایب سمگری ها و تبعیضات، تا بیافکندن جامعه نا بسته انسان آزاداری نشینیم. رهایی طبقه ما، طبقه کارگر، تنها در جامعه ای بری از هرگونه تبعیض و سمگری میسر است. جامعه ای آزاد که در آن با از میان برداشتن طبقات، همه سمگریها و تبعیضات بر اساس جنس و ملت و نژاد و همسراه آن حدائی و خصوصت میان انسان ها رحب بر بسته باشد. پرولتاریای آگاه، رهایی طبقه خود و رهایی کل بشریت را در وسیال لیسیم و انقلاب می جوید، ار همین رو با تمام نیرویش دشمن هرگونه سمگری و تبعیض و از آن جمله تبعیض بر اساس جنسیت است.

زنان آزاده ایران!

هشتم مارس روز جهانی زن راه همه شما شاد با سر میگوئیم. این روز همبستگی تمام انسانهای شریف و آزاد سخاوت برای پایان بخشیدن به تبعیض و سمگری است. ما همبستگی استوار خود را با همه شما در مبارزه علیه این ستم و تبعیض ضد انسانی موجود اعلام میداریم و شما را فرا میخوانیم که رهایی خود را در رهایی طبقه کارگر، آزادی خود را در قدرت یابی طبقه کارگر و مبارزه پیروز مند خود را با مبارزه در صفوف و به گرد حزب پیشرو طبقه کارگر، حزب کمونیست جستجو کنید. این حزب کارگران آگاه، حزب کمونیست ایران است که پرچم آزادی زنان را در دست دارد و مبارزه علیه هرگونه جهل و خرافه و دکمی که توجیه گر ستمگری زن در خدمت استعمار سرمایه داری است را، یک وظیفه خود قرار داده و مطالبه برابری کامل زن و مرد در کلیه حقوق قانونی و جدایی قطعی این از دولت را جزو حدائی ناپذیردمکراسی انقلابی تعریف کرده است. شما را فرا میخوانیم به حزب کمونیست ایران بپیوندید و زیر پرچم حزب کمونیست ایران گرد آئید.

بقیه در صفحه ۳۱

تعمیرات را در اعصاب، حس و حرکت و وسکرها ن حیاتی سال ۵۷ آنچنان پر شکوه و نیرومند برای نیل به آزادی به حرکت در آورده بود.

زنان به بند کشیده ایران! پرولتاریای آگاه و حزب کمونیست ستمی را که بر شما میروند بخوبی می شناسد. اکثریت عظیم شما جزء طبقه ما، طبقه کارگر و محرومان جامعه اید. ما با آگاهی و قاطعیت به ریشه ستمگشی شما، ستمی که جمهوری اسلامی امروز آنچنان آتراه اوج بر بریت رسانده است، دست می بریم. زنان ستم دیده! شما قربانیان نظامی هستید که بر بنیاد بردگی مزدی انسانها بنا شده است. ستم بر شما ریشه در نظامی دارد که در آن، آنان که کار میکنند و با درد و روح و مشقات خود همه ثروت و قدرت جامعه را می آفرینند، بی بهره ترین گمانند و مفتخوران و تناهای آوران، سروران جامعه. نظامی که آفرینندگان شریف ثروت را به مشقت و سیه روزی میراند و مفتخوران را عزت و سروری میدهد. ستمگشی شما در این نظام مزدوری سرمایه ریشه دارد، نظامی که برای ایجاد تفرقه و حدائی در میان توده های کارگر همه گونه تبعیض و بی حقوقی، تبعیض میان زن و مرد، سیاه و سفید، میان نژادها و ملت ها و مذهب ها و انواع ستمگری را بخدمت میگیرد. این ستم که امروز بر زنان میروند، جزئی از آن توحش عنان گسخته است که بورژوازی و امپریالیسم با از گوردن آوردن ارتجاع اسلامی و حربه دولت مذهبی علیه طبقه کارگر انقلابی ایران سازمان داده اند.

زنان ستم دیده ایران! شما قربانی توحش سازمان یافته بورژوازی و امپریالیسم علیه طبقه ما هستید، ستمی که بر شما میروند، این تبعیض برده واری که علیه شما اعمال میشود، جزئی از توحشی است که علیه طبقه کارگر سازمان یافته است. ما عزم کرده ایم که نه تنها این توحش آشکار بورژوازی و امپریالیسم به زعامت جمهوری اسلامی را به نیروی کارگران و همه ستمگشان و با قیام آنان درهم بکوبیم، بلکه تعهد

## مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم

## یادداشت‌های کوتاه

راه "توده"

راه‌کارگر (سازمان کارگران انقلابی ایران) در شماره ششم نشریه "ریگای کارگر" (راه‌کارگر بزبان کردی) در بهمن ماه ۶۲ مقاله‌ای تحت عنوان "بمعناست درگذشت رهبر حزب کمونیست شوروی" بجا پرمایه است. راه‌کارگر در این مقاله پوری آندروپوف را "فرزند کاروسویالیستی رشدونمو یافته جامعه سوسیالیستی و تربیت شده حزب لنین" می‌نامد و اضافه می‌کند که "پوری آندروپوف دوره زندگی خود را جز در راه مبارزه طبقه کارگر و خدمت به آن سپری نکرد." در جای دیگر همین مقاله (صفحه ۳۰) در مورد حزب توده می‌خوانیم:

"جریان رفرمیستی چون حزب توده که به علت پرا تیک خود نمی‌تواند نماینده مبارزه طبقاتی طبقه کارگر باشد (و نبوده) و لاجرم وزنی در جریانات اجتماعی به این اعتبار کسب نمی‌کند برای ادامه حیات ننگین خود به اردوگاه سوسیالیستی متوسل می‌شود."

فایده راه‌کارگر انتظار دارد که کارگران ایران ندانند این آموزگار.

برای راه‌کارگر در مجارستان و در اس‌سازمان امنیت شوروی چه همدانی به آنها کرده است و ارباب‌های این حزب که راه‌کارگر آنرا لنینی می‌خواند در لهستان و افغانستان خیرنداشته باشند و اصلاً نامی هم از لنین نشنیده باشند و ندانند که لنین که بود و چه می‌گفت و چه می‌کرد... حال که چنین است راه‌کارگر با بدفکری هم برای پاسخ به این سؤال بکنده‌کامین حزب با اصطلاح لنینی و دیبرکل تربیت شده این حزب که همه زندگی خود را وقف خدمت به طبقه کارگر کرده است چرا و چگونه در تمام این مدت پشتیبان جمهوری اسلامی این جنایتکارترین رژیم قرون وسطایی و حامی حزب توده، حزبی که خود راه‌کارگر هم حیات آنرا ننگین می‌خواند، بوده است؟

اگر راه‌کارگر هم می‌خواهد به همان گونه اعتبار کسب کند و برای ادامه حیاتش به اردوگاه سوسیالیستی کذایی متوسل شود و اگر می‌خواهد تحت الحما به همان احزاب برادر قرار بگیرد بدانند که باید بسیار بیشتر از اینها در لجن مال کردن نام لنین، سوسیالیسم و راه مبارزه طبقه کارگر ثابته قدم باشد، همانطور که حزب توده بود.



## حزب همان حزب است

حزب رنجبران در بیانیه‌ای که بمعناست سالگرد انقلاب ۵۷ منتشر کرده است، به درس‌های انقلاب و اینکه جمهوری اسلامی باید برود پرداخته است. این حزب بیش از دو سال همدست جمهوری اسلامی بود و در دفاع از سیاست‌های این رژیم ضد انقلابی و در کار به سازش‌کنانند کارگران با این رژیم جنایتکار دست کمی از حزب توده و امثالهم نداشت. مدتی است حزب رنجبران تبدیل به اپوزیسیون جمهوری اسلامی شده است و در گوشه و کنار جزواتش به "اشتباهات گذشته" خود اعتراف می‌کند و سیاست‌های گذشته‌اش را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

شاید بعضی از کارگران بگویند عیب ندارد. حزب هم‌جانبه‌خاست با لایحه‌گرایان حزب امروز فهمیده باشد که چه "اشتباه" بزرگی کرده که دو سال از ضدکارگرترین رژیم‌ها که خون زحمتکشان ایران را در شیشه می‌کرد پشتیبانی کرده و بر جنایاتش صدگذاشته... اگر امروز فهمیده باشد که با پیدا ز گذشته خود ببرد و آن تئوری‌های ناب را که حکم بر سرکوب کارگران می‌دهند دور بریزد، مدافعان آن نظریات را به پروتکتور و خیانتشان را بر ملا سازد...

# کارگران، به حزب کمونیست ایران پیوندید!

رحبران سرشمرده است مشکل طبعه کارگران ایران است؟ سودموا دحام و عاظم! مانند نیروی کار و کم- کاری رحمتکشان و حمل نشستن کالاهای وارداتی مشکل چیست؟

چرا این حزب دست ارفعارفا با کارگران بر نمی دارد. آن آرم داس و جکش و این اسم فرسوده را بکاری نمی گذارد، چرا این واقعیت را نمی پذیرد که پیش شرط نراه- انداختن تولید و اقتصاد ایران آنطور که او میخواهد تکمیل همان فقر و سدیگی بکارگران است که جمهوری اسلامی درصورت وظایف خود قرار داده است. چرا نمی گوید و رحبران ایران را خلاص نمی کند؟ آیا این حزب هنوز که کارگران و رحمتکشان ایران بیسار این تحریریه خونین را ردیگر میباید خواهند خورد و در علم احزاب و شعارهای سوز و زاری سینه خواهند زد؟

اسلامی ناید سرود... در صفحات اول ساینه این حزب معناست سالگردیهم ۵۷ ساختی از این دلائل آشنا میشوید:

- برپا جمهوری اسلامی نه ادعای خودمینی بر تغییر اقتصاد یک محصولی عمل نکرده است.
- برپا بکاری و کم کاری در جمهوری اسلامی حل نشده است و میلیونها رحمتکشان در شهر و روستا عاظم مانده اند.
- برپا در رشته های مدرسه و فنی کمبود نیروی اساسی بطور چشمگیری موجود است.
- برپا مشکل کمبود مواد دحام و وسائل بکنی هم چنان بکسی از مشکلات بزرگ صایع است.
- برپا مشکل حمل کالاهای وارداتی هم چنان لاسحل ناعلی مانده است و....

براسی کدامیک از مشکلاتی که

بالاخره اگر حزب رحبران همین امروز فهمیده باشد که ما صد اذقانه نه کارگران و انقلاب خدمت کند، کارگران هم از همین امروز حسابی دیگر برایشان را خواهند کرد و آن لطماتی که این حزب به طبقه کارگر و انقلاب رده است را از مسئولین آن دوره اش خواهند گرفت.

شاید آنها هم مثل خیلی از مردم سرگوریا بهترین است بگوئیم- فراموشکار، که بحاطرت ندید امروز محاهدین با جمهوری اسلامی چشم بر شراکت دیروز آنها بسته اند، نه آسانی به این خاطر که حزب رحبران از خودش استغنا دکرده و نصف مخالفین رژیم پیوسته، از همدستی او با این رژیم صد انقلابی در گذشته چشم پیوسته و کینه های شان را از یاد بریند.

نه این گروه از کارگران یاد دهد که ظاهریین نمانند و ریشه ها را در یابد. حزب رحبران آنگاه که از بسی صدور جمهوری اسلامی پشتیبانی میکرد و کرا اقتصاد ملی و خود کفا بود و اگر ذره ای به منافع کارگران می اندیشید حامی رژیم اسلامی سرمایه آرت در نمی آمد و و حالا هم که خواستار سرنگوسی جمهوری اسلامی است و بخودش باصطلاح استغنا دکرده است، با رهم همان حزب است، جویس به آن دلائلی توجه کنید که حزب رحبران را منقاد ساختن آنده که جمهوری

## سوا استفاده "اقلیت" از اختناق

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) اخیرا طی پیامی که بمناسبت سالروز قیام بیستم ماه انتشار داده، مرتکب بکنی از آن تحریفات و تقلبات سیاسی شده است که هر مبارز سیاسی شرافتمندی را دچار بیزاری میکند.

در پیام کمیته مرکزی سچفا



**برنامه**

**حزب کمونیست ایران**

مجموعه

شماره بیست و نهم حزب کمونیست ایران

۱۳۰۲، ۶۰۴

را بخوانید

## خروج کامل و بدون قید و شرط قوای اشغالگر جمهوری اسلامی

از کردستان خواست طبقه کارگر است

چریکهای فدائی خلق ایران به راه حزب توده افتاد و اصلا به همین اعتبار نام "اکثریت" را به خود گرفته است! درحالیکه سچفا بدون اینکه از این جریان هم به ابرویها آورد، بدون اینکه نقدی برگزشته آن "سازمان ما" که اکثریتش خائن از آب درآمد بگذارد، در همه حال "سازمان ما" را بهیچترتین و انقلابی ترسین نیروی سیاسی معرفی می کند. آخر "منصرتاریخی فدائی" و نام و اعتبار و آرم "سازمان" باید محفوظ بماند، و لولاینکه بقیمت این تعریف زنده تاریخ معاصر ایران تمام شود ■

برملا نمیگردد بلکه آنرا بعنوان حکومت ملی و مطهر قیام مورد تأکید مشروط و توأم با انعقاد! قرار میداد.

اما از این هم جالبتر اینکه پیام کمیته مرکزی سچفا بدنبال آن ادامه میدهد که: "سازمان ما ماهیت رسوای حزب توده و اکثریتهای خائن را که میکوشیدند به فریب توده ها متوسل شوند و رژیم ارتجاعی حاکم را مترقی و انقلابی معرفی کنند، افشا کرد." باید از این "روشنگری" سچفا تشکر کرد زیرا: ما تا بحال فکر میکردیم که مدتی پس از "فدای قیام" اکثریت سازمان

گفته میشود: "صحت و حقیقت گفتار و کردار، غط مشی و مواضع ما در تجربه توده ها خود را نشان داده است. سازمان ما از همان فدای قیام یعنی هنگامیکه هنوز اکثریت عظیم توده های مردم پی به ماهیت ارتجاعی و ضد انقلابی رژیم نبرده بودند، به افشای رژیم جمهوری اسلامی پرداخت."

(تاکید از ماست.)

براستی اگر مردم ایران دل و دماغ خندیدن را داشتند، شلیک قهقهه آنها به هوامیرفت، ولی متاسفانه وجود اختناق و حاکمیت استبداد در ایران به سازمان چریکها هم اجازه میدهد خود را انقلابی ترین و رادیکالترین نیرو - آنها نه در حال حاضر و پس از انضاب اقلیت - بلکه از همان فدای قیام معرفی کند. ولی تلاش سچفا در این مورد بیهوده است، زیرا کمونیستها و کارگران انقلابی ایران بخوبی تاریخچه سازمان فدائیان را بعنوان یکی از سازشکارترین نیروهای سیاسی در فدای قیام بیاد دارند. توده های وسیع مردم ایران هم هر چند توقعات دمکراتیکشان در زیر فشار سر نیزه پاسداران جمهوری اسلامی تنزل یافته باشد، اما حافظه خود را از دست نداده اند و "نامه سرکشاده به بازرگان" و دهها اقدام و موضع دیگر سازمان چریکهای فدائی را بیاد دارند که در "فدای قیام" نه تنها "ماهیت ارتجاعی و ضد انقلابی" رژیم جمهوری اسلامی را برای آنها

هیا هوی رعب و تهدید سران جمهوری اسلامی بمنظور کشاندن مردم به نمایش انتخاباتی دوردوم مجلس اسلامی، بالا میگیرد. قرار است، روز ۲۶ فروردین صندوق ها ۲۷۵ تن از ریزه خواران تحمیلگران و خیانت پیشگان جمهوری اسلامی را به نام نمایندگان مردم، بیرون دهند!

مردم! آزاد بخواهان!

اسیر رعب و تهدیدات جمهوری اسلامی نشوید به این خفت و تحمیل رسمی کردن نگذارید! بگذارید در صف رای دادن به مجلس اسلامی جز او با شان، خیانت پیشگان و ریزه خواران جمهوری اسلامی جزم آنها که سراپای زندگی شان را ننگ ستمگری و خیانت علیه مردم به هم بافته است، هیچ کس دیگری نایستد!

برای تحریم قاطعانه نمایش انتخاباتی مجلس اسلامی آماده شوید!

با تحریم این نمایش تحمیل و ستم، بانگ اعتراضتان را علیه موجودیت رژیم اسلامی بلند کنید.

مرگ بر رژیم اسلامی!

زنده باد دمکراسی انقلابی!

**قدرت طبقه کارگر در تشکل اوست**

بقیه از صفحه ۲۷

پیام ...

آینده بی شک از آن ماست !  
مصمم و استوار به پیش خواهیم رفت ،  
جمهوری اسلامی این رژیم همار  
بورژوازی ، این مدافع نظام بردگی  
علنی زبان را درهم خواهیم کوفت ،  
و در اولین قدم پیشروی پیرومند  
وقتی بسوی همه مطالبات دموکراسی  
انقلابی ، و از آن جمله سراسری  
کامل زن و مرد در کلیه حقوق قانونی  
و جدائی قطعی مذهب از دولت را  
بمطالبه مند پیروزی بعنوان  
قوانین رسمی حاکم بر کشور اعلام  
خواهیم داشت !

گرامی باد هشتم مارس روز جهانی زن  
زنده باد آزادی و برابری !  
سریگون باد جمهوری اسلامی !  
زنده باد دموکراسی انقلابی !

دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران  
۱۷ آفتاب ۱۳۴۲

## با حزب کمونیست ایران مکاتبه کنید

در مکاتبه با ما نکات زیر را  
حتما رعایت کنید .

۱- در نامه ها بتان از نوشتن  
اطلاعاتی که می تواند سرخی به  
پلیس بدهد خودداری کنید .

۲- اگر نامه های تان حاوی  
اطلاعاتی است که می تواند در  
صورت افتادن به دست پلیس

موجب خطراتی برای شما و دیگران  
شود (مانند نام ، فامیل ، آدرس ،  
نام کارخانه و ... ) می بایست  
اطلاعات را به رمز و نام مرثی

برایمان بفرستید .  
الف- برای نام مرثی نویسی  
می توانید از آلیفبوی شماره ،

آب پیا رویا شیرا استفاده کنید  
باید قبل از نوشتن نامه ، جوهر  
نام مرثی را آزمایش کنید تا مطمئن

شوید که مطالب نوشته شده قابل  
خواندن است . دقت کنید مطالب  
نام مرثی را طوری بنویسید که  
هیچ اثری بر روی کاغذ به جای  
نماند و از خود نویسی نو و روان  
استفاده کنید .


ب: برای رمز نویسی می توانید  
به ابتکار خود جدول رمز ساده ای  
تهیه کنید و آن را به مرور در  
چندین نامه با استفاده از جوهر  
نام مرثی برایمان ارسال دارید .  
یک جدول رمز ساده می تواند به  
این صورت باشد ، هر حرف الفبا  
و یا هر کلمه را با چند عدد نشان  
دهید این اعداد می بایست ترتیب  
منظمی نداشته باشد و تکرار نگردد .

مثال : ت = ۴۵ - ۶۴ - ۲۲

ج = ۲۴ - ۳۰ - ۴

الف = ۹ - ۱۲ - ۸

بقیه در صفحه ۲۵



## کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

---

ماهانه منتشر میشود

---

هیات تحریریه :

حمید تقوایی

منصور حکمت

شعب زکریائی

حبیب فرزاد (ف. پرتو)

رضا مقدم

---

کارگران جهان متحد شوید !

پیشرو شماره ۵ -  
ارگان مرکزی کومه له ، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران  
بتاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۴۲ برپا کردی مستمر بد

### پیشرو

ارگان مرکزی کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

---

- شماره
- انتشارات: ۳۰ بهمن ۱۳۴۲
- مدیر: حبیب فرزاد
- مدیر تحریر: حبیب فرزاد
- مدیر چاپ: حبیب فرزاد
- مدیر توزیع: حبیب فرزاد
- مدیر فروش: حبیب فرزاد
- مدیر اداری: حبیب فرزاد
- مدیر مالی: حبیب فرزاد
- مدیر حقوقی: حبیب فرزاد
- مدیر امنیتی: حبیب فرزاد
- مدیر اطلاعاتی: حبیب فرزاد
- مدیر تبلیغاتی: حبیب فرزاد
- مدیر فرهنگی: حبیب فرزاد
- مدیر ورزشی: حبیب فرزاد
- مدیر تفریحی: حبیب فرزاد
- مدیر علمی: حبیب فرزاد
- مدیر هنری: حبیب فرزاد
- مدیر اجتماعی: حبیب فرزاد
- مدیر سیاسی: حبیب فرزاد
- مدیر اقتصادی: حبیب فرزاد
- مدیر فرهنگی: حبیب فرزاد
- مدیر ورزشی: حبیب فرزاد
- مدیر تفریحی: حبیب فرزاد
- مدیر علمی: حبیب فرزاد
- مدیر هنری: حبیب فرزاد
- مدیر اجتماعی: حبیب فرزاد
- مدیر سیاسی: حبیب فرزاد
- مدیر اقتصادی: حبیب فرزاد

این شماره حاوی مطالب ریز است :

- اطلاعیه پارتیان کنگره چهارم
- سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له -
- پیام دفتر سیاسی شماست
- پنجمین سالگرد پیام ۲۲ بهمن .
- گفتگوی ساریو ابراهیم علیزاده
- گفتاری شماست روز کومه له .

# پیمه ییکاری حق مسلم کارگران است

### با شریه کمپیت

وعدای حزب کمونیست ایران مکاتبه کنید

احرار، گزارشات و نظرات خود  
را از هر طریق که مناسب می‌دانید به  
سایه های زیر برای ما بفرستید:

- آدرس سوئد P.O. BOX 1409

75144 UPPSALA 1

SWEDEN

- آدرس آلمان

POST FACH 501142

5000 KÖLN 50

W.GERMANY

- آدرس ایتالیا

SH.I

C.P. 1064

10100 TORINO

ITALY

لارم اسرار بوسن اطلاعاتی که  
ممنونان باعث شناسایی افراد و نا  
اماکن آنها از طرف پلیس شود. در  
نامه ها و روی پاکتها خودداری کنید  
همچنین بهتر است برای اطمینان  
بمستراز رسیدن نامه ها بدست ما، از  
هر نامه حداقل دو نسخه بطور جداگانه  
ارسال دارید.



صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۴۹ متر و ۶۵ متر

ساعات پخش: سه تا سه ۹ بعد از ظهر

۶.۴۵ -

جمعه ها: ۸ صبح و ۹ بعد از ظهر

طول موجها و ساعات پخش صدای حزب کمونیست

ایران را به اطلاع همه برساند



صدای انقلاب ایران

طول موجهای:

۴۹ متر و ۶۵ متر

ساعات پخش: بعد از ظهر: ۱۲.۴۵ تا ۱.۳۰ تهران کردی

۱.۳۰ تا ۲ تهران فارسی

عصر: ۶ تا ۶.۴۵ تهران کردی

۶.۴۵ تا ۷.۱۵ تهران فارسی

در صورت نداشتن ارتباط مستقیم با فعالین  
حزب، کمکهای مالی خود را می‌توانید به حساب  
بانکی زیر در خارج کشور ارسال کنید

Andeesheh (ایده شه)

C/A 23233257

National Westminster Bank

75 Shaftsbury Avenue

London W1V8AT

ENGLAND

# زنده باد سوسیالیسم!